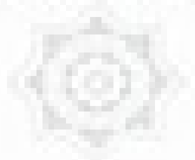
مروارید عفاف

کاوشی در حیا، غیرت و حجاب

سید حسین اسحاقی




بسم الله الرحمن الرحیم

مروارید عفاف (کاوشی در حیا ، غیرت و حجاب)

نویسنده:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مروارید عفاف (کاوشی در حیا، غیرت و حجاب)

مشخصات کتاب

مروارید عفاف: کاوشی در حیا، غیرت و حجاب

کد: ۱۱۴۶

نویسنده : سیدحسین اسحاقی

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

با همکاری دفتر امور زنان و خانواده سازمان صدا و سیما

ویراستار: محمدصادق دهقان

صفحه آرا: اکرم سادات بنی زهرا

چاپ: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۶

شمارگان: ۴۰۰۰

بهاء: ۷۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: Email: IRC@IRIB.COM

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ نمابر: ۲۹۳۳۸۹۲

ص:۱

فهرست مطالب

↔

دیباچه

بی تردید، عقاید مردم، شالوده، بنیان، زیرساخت های اجتماعی و در پی آن عامل شکل گیری فرهنگ جوامع است که در قالب های گوناگون بروز و ظهور اجتماعی می یابد. در این میان فرهنگ عفاف و حجاب نیز متأثر از این رویکرد است که به شکل فعلی نمود عملی یافته است.

صاحبان رسانه و وسایل ارتباط جمعی، بیشترین توان و ابزار را در اختیار دارند تا با تصمیم گیری و برنامه ریزی در این حوزه، وارد عمل شوند. اینک که امپریالیسم غرب با هجمه گسترده خود، از راه های گوناگون، عناصر غیرفرهنگی و ضد دینی را به اذهان خام تزریق می کند، رسانه های فرهنگی به ویژه رسانه ملی، می تواند با هماهنگی و برنامه ریزی و هم سویی سیاست ها و تولیدات رسانه ای، به شکلی شایسته به مقابله با انحطاط اذهان عمومی به ویژه در زمینه عفاف بپردازد و هدایت فکری جامعه را به دست گیرد.

از این رو، دست اندرکاران امور فرهنگی باید در برنامه ریزی های خود بیش از هر چیز، به شناخت ضرورت حفظ عفاف و حجاب توجه ای ویژه داشته باشند؛ زیرا رعایت حجاب به عنوان یک پوشش ظاهری و عفاف، به عنوان جمال باطنی، برای حفظ و صیانت گوهروجودی فرد و به عنوان یک حکم الهی، ضروری است و بدیهی است سلامت اجتماع و خانواده، با رعایت و حفظ حریم های دینی، ارتباط مستقیم دارد.

بر مبنای این اصل، دفتر امور زنان و خانواده، وظیفه خود می دانـد با تکیه بر پشـتوانه اعتقادی و بهره مندی برنامه سازان محترم و اهتمـام ویژه آنـان به این امر، بـا سـفارش و همکـاری در تهیه این نوشـتار، تأکیـد بیشتری بر نقش مؤثر و مهم برنـامه سـازان ارجمنـد رسانه داشـته باشـد. همچنین به تبیین چگونگی عفاف و حجاب در امر برنامه سازی و حفظ حدود و مرزهای عفاف و حجاب و تأثیر مثبت این مهم بر افکار مخاطبان بپردازد. افزون بر این، برخی آسـیب ها و ناهنجاری های اجتماعی و خانوادگی و بحران های ناشی از چشم پوشی از این نماد عزت و سرافرازی را بیان دارد. امید است که از آن بهره وافی برده شود.

دفترامور زنان و خانواده

سازمان صدا و سیما

پیش گفتار

از دیدگاه اسلام، زن شخصیتی شایسته و رسالتی الهی دارد که می تواند با پیمودن مدارج کمال، به مراتب عالی انسانیت بار یابد و مصداق تحقق فلسفه خلقت؛ یعنی جانشینی خدا گردد. زن، مربی بشر است و می تواند با تربیت فرزند صالح، امتی را از گمراهی رهایی بخشد.

جایگاه والای زن می طلبد که این گوهر آفرینش در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش های انسانی اش محفوظ بماند. فلسفه نگهبانی و پوشش اشیا، ارزش آنهاست و هر قدر افزایش یابد، درصد محافظت از آنها بیشتر می شود. حجاب، خیمه عفاف بانوان است و ایمان به خدا و ترس از آخرت از مهم ترین پایه های حجاب به شمار می روند. وقتی زن به علم و حکمت خدای تعالی ایمان بیاورد و بپذیرد احکامی که برای انسان تشریع شده است، آثار مثبتی دارند، از حکم الهی درباره حجاب استقبال می کند. شناخت آثار زیان بار خودنمایی زن، مکمل آگاهی هایی است که از آن سخن خواهیم گفت.

پوشیدگی زن، نماد تقوای اوست. وقتی زن، تقوای جنسی را رعایت کند و خود را بپوشاند، وعده های الهی درباره پرهیزکاران، درباره او نیز محقق می شود. غلبه بر هواهای نفسانی و چشم پوشی از لذت های حرام، به انسان، هیبت و وقار می بخشد. به صورت ناخودآگاه، برخورد مردان با زنانی که پوشش نامناسبی دارند، برخوردی شهوانی و ابزاری است، ولی برخوردشان با زنان پوشیده،

برخوردی همراه با احترام و تکریم قلبی است. نوع پوشش زن، معرّف شخصیت عفیف یا هوس انگیز اوست که موضع گیری مرد را در برابر او مشخص می کند. در حقیقت، حجاب زن، جهاد اکبر اوست.

امنیت و آرامش خاطر نیز از آثار حجاب اسلامی است. انسان در پناه محافظ، احساس آرامش بیشتری دارد. پوشش اسلامی نیز نگهبان زن است و به زن آرامش می بخشد. هرچه این پوشش کامل تر شود، درصد امنیت و حفاظت زنان بالاتر می رود. سختی حجاب، حق بیمه ای است که زن، برای تأمین سلامت خود می پردازد؛ زیرا پوشش، مانع نفوذ هوای نفس و نگاه های آلوده و افکار فاسد به حریم پاک زنان می گردد و زیبایی ها و ظرافت های جسمانی آنان را نیز از گزند سرما، گرما و آلودگی های هوا حفظ می کند.

پوشش، سدّی بزرگ در برابر تهاجم فرهنگی غرب است. اگر قلعه مستحکم حجاب زن مسلمان، فتح شود، راه بردگی جامعه اسلامی هموار می گردد. در حقیقت، حجاب دینی، پادزهر تهاجم فرهنگی غرب است. همچنین، پوشش زنان در کاهش مفاسد اجتماعی نقش مؤثری دارد. زن و مرد همانند دو سیم برق هستند که نبود عایق میان آنها آتش بی عفتی را شعله ور می سازد و ارزش ها را می سوزاند. تا وقتی بانوان، خود را از دید چشم های حریص مردان می پوشانند، دریای نفس آنها آرام است، ولی وقتی به جلوه گری دست می زنند، اضطراب روحی و نابسامانی روانی خود و برای مردان فراهم می آورند.

حجاب، ارزشی است که رعایت آن، زنان را چون گوهری در درون صدف از شر آسیب ها مصون می دارد. کسانی که از توجه به شخصیت حقیقی و باطنی و کمالات روحی خود غفلت می ورزند، به تدریج، زمینه لازم را برای انحطاط و

ابتذال خود فراهم می سازند.

خودنمایی و خودآرایی در صحنه اجتماع، به شخصیت ارزشمند زن آسیب وارد می سازد. با وقار بودن دختر و رعایت کردن حریم میان مَحْرم و نامَحْرم به او اصالت می بخشد و او را در دیدگان همه بزرگ و محترم می گرداند. در آموزه های اسلامی و روایت های اهل بیت علیهم السلام، به ارزش و اهمیت عفت و پاک دامنی، بسیار تأکید شده است، چنان که در حدیثی می خوانیم: «أَفْضَلُ الْعِبادَهِ العِفافُ؛ پاک دامنی، بهترین عبادت است.»(۱) امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید:

ما الْمُجاهِدُ الشّهیدُ فی سَبیلِ اللّهِ بِأَعْظَمَ أَجْرا مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ لَکادَ الْعَفیفُ أَنْ یَکُونَ مَلَکا مِنَ الْمَلائِکَهِ.(۲)

اجر رزمنده شهید راه خدا، بالاتر از اجر کسی نیست که قدرت، بر خلاف عفت داشته، ولی عفت خود را حفظ کرده است. به حقیقت که فرد عفیف، نزدیک است که فرشته ای از فرشتگان باشد.

همچنین در روایات اسلامی در این باره آمده است:

أَوَّلُ مَنْ یَدْخُلُ الجَنَّهَ رَجُلٌ عَفیفٌ مُتَعَفِّفٌ ذُو عِبادَهٍ.(۳)

نخستین کسی که وارد بهشت می شود، فرد عفیفِ پاک دامن و اهل عبادت بوده است.

عفت و پاک دامنی، پی آمد نیکوی تقوای الهی و مایه ارزش معنوی و قرب خداوندی است که در هر جامعه ای نشانه شخصیت و عامل سعادت و مایه منزلت اجتماعی است.

۱- ۱. کافی، ج ۲، ص ۷۹.
۲- ۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴.
۳- ۳. بحارالانوار، ح ۷۱، ص ۲۷۳.

در پایان از رهنمودهای ارزنده سرکار خانم سلیحی و کارشناسی شایسته سرکار خانم زندی سپاس گزارم. امید که این اثر روزی به کارمان آید که «لاینفع مال و لابنون الا من اتی الله بقلب سلیم».

ص: ۶

فصل اول: بایسته های پوشش و عوامل بی حجابی

اشاره

انسان در پناه محافظ، احساس آرامش می کند. پوشش اسلامی نیز نگهبان زن است و به او امنیت و آرامش می بخشد. پس هر چه این پوشش کامل تر شود، درصد امنیت و حفاظت زنان بالاتر می رود. زحمت حجاب، حق بیمه ای است که زن برای تأمین سلامت خود می پردازد؛ زیرا حجاب، مانع جریان یافتن هوای نفس و نگاه های آلوده و فسادآمیز، به حریم پاک زنان می شود. پوشش، سدّی بزرگ در برابر تهاجم فرهنگ غرب است. جایگاه والای زن می طلبد که این گوهر آفرینش، در صدف حجاب قرار گیرد تا ارزش های انسانی اش در امان بماند. فلسفه نگهبانی و پوشش اشیا، ارزش آنهاست و هر قدر این ارزش بالاتر باشد، نسبت نگه داری آنها نیز بیشتر می شود.

پوشیدگی زن، نماد پرهیزکاری اوست. وقتی زن تقوای جنسی را رعایت کند و خود را بپوشاند، وعده های الهی که برای پرهیزکاران داده شده است، درباره او نیز محقق می شود. در واقع، چیرگی بر هواهای نفسانی و چشم پوشی از لذت های حرام، به انسان هیبت و وقار می بخشد. به صورت ناخودآگاه، برخورد مردان با زنانی که پوشش ناقصی دارند، برخوردی شهوانی و ابزاری است، ولی برخوردشان با زنان پوشیده و با حجاب اسلامی، برخوردی همراه با احترام و تکریم قلبی است.

نوع پوشش زن، معرّف شخصیت عفیف یا هوس انگیز اوست که

موضع گیری مرد را در برابر او مشخص می کند. تا وقتی بانوان، خود را از دید چشم های حریص مردان می پوشانند، دریای نفس آنها آرام است، ولی وقتی به جلوه گری دست می زنند، تلاطم روحی و نابسامانی روانی را برای مردان فراهم می آورند.

پرهیز از تحریک مردان

خداوند در آیه ای از قرآن مجید، حکم و حکمت حجاب را چنین بیان می کند:

یا اَیُّها النَّبِیُّ قُلِ لأَزْواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ الْمُؤْمِنینَ یُدْنین عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلابیبِهِنَّ ذلکَ أَدْنی أَنْ یُعْرَفْنَ فَلا یُؤْذَیْنَ و کانَ اللّه غَفورا رحیما.(احزاب:۵۹)

ای پیامبر! به زنان و دختران خود و به زنان مؤمنان بگو که روسری های بلند خود را بر خویش فروافکنند که این کار برای اینکه آنها (به عفت) شناخته شوند تا از تعریض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند، بسیار بهتر است و خدا در حق خلق، آمرزنده و مهربان است.

حفظ پاک دامنی، منحصر به پوشش نیست، بلکه زن باید از هر گونه رفتاری که سبب تحریک و طمع ورزی هوس رانان می شود، به شدت بپرهیزد. برای نمونه، خداوند حتی نرمش در سخن گفتن را که سبب تحریک و گناه است، نفی می کند. همچنین خداوند در قرآن، «تبرّج»؛ یعنی آرایش برای خودنمایی را نکوهیده و آن را به جامعه جاهلی نسبت داده و فرموده است:

و لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّهِ الأُولی.(احزاب: ۳۳)

و خود را همانند زینت نمایی روزگار جاهلیت پیشین، زینت نمایی نکنید.

در حقیقت، آنچه مردان را تهییج می کند، سه چیز است: زیبایی، زیور و حرکت های اغوا کننده که در قرآن مجید، به تبرّج تعبیر شده است. رفتار زن

می تواند وسیله اغوا و تهییج مرد شود؛ یعنی اگر زیبایی و زیور زنی دیده شود، ولی رفتار او معقول و متین باشد، مرد اغوا نمی شود، مگر به ندرت. به همین دلیل، نرم سخن گفتن زن، گاهی از بی حجابی هم اغواکننده تر است. امروزه بعضی لباس ها که مد روز نیز هستند، حجم و انحنای بدن را چنان نمایان می کنند که اغوای این پوشیدگی گاهی از برهنگی نیز بیشتر است.

تأثیر حیا، بر پوشش بانوان

اشاره

امام علی علیه السلام حیا را زیباترین لباس دنیا می داند و می فرماید: «أَحْسَنُ مَلابِس الدُّنیا الحَیاءُ؛ حیا، زیباترین جامه دنیاست.»(۱) خداوند در قرآن مجید هنگام بازگویی داستان دختران شعیب و حضرت موسی علیهم السلام، می فرماید: «جائت اِحْداهُما تَمْشی علی اسْتِحیاءٍ؛ یکی از آن دو دختر در حالی که باحیا راه می رفت، آمد».(قصص:۲۵)

در دیگر ادیان نیز بر حیا تأکید شده است: در انجیل، کتاب مقدس مسیحیان، آمده است: «و زنان نیز به لباس مزین به حیا و پرهیز، خود را بیارایند.»(۲) آری زینت یابی به زیور حیا، نوعی آراستگی به صفات الهی است؛ زیرا یکی از صفات کمالی خداوند، حیاست، چنان که امام محمدباقر علیه السلام می فرماید:

فانّ اللّه عزّوجلّ کریمٌ یَسْتَحیی و یُحِبُّ اَهْلَ الحیاء.(۳)

خداوند صاحب عزت و جلال، کریمی است که حیا می کند و اهل حیا را دوست دارد.

همچنین نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز آراسته به ویژگی حیا بود، چنان که امام

۱- ۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۲، ح ۴۵۴۴.

۲- ۲. کتاب مقدس انجیل، نامه اول پولس به تیموئوس، باب دوم، آیه ۹.

۳- ۳. من لا یحضر الفقیه، ج ۳، ص ۵۰۶.

صادق علیه السلام می فرماید: «شَیْمَتُهُ الحیاءُ؛ اخلاق و عادت او حیا بود.»(۱) حضرت علی علیه السلام نیز فردی حیا پیشه بود. درباره ایشان آمده است: «و کان علیٌ علیه السلام کثیرُ الحیاء؛ علی، بسیار باحیا بود.»(۲) درباره حدیث ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام هم می گویند:

فَلَمّا اَصْبَحَ دَعاها فَجاءَتْ خِرْقَةٌ مِنَ الحیاءِ.(۳)

چون صبح شد، (پیامبر صلی الله علیه و آله) فاطمه علیها السلام را خواند و او با حیایی آشکار (نزد پدر) آمد.

رفتار حضرت فاطمه علیها السلام ، الگو و معیار بسیار روشنی برای همه بشر، به ویژه دختران جوان و مسلمان است تا زندگی سعادتمندی داشته باشند. در حقیقت، دختران جوان، باحیا و عفاف خود، گامی مؤثر برای بالا بردن شخصیت و ارزش خود و حفظ موقعیت خویش در برابر مردان برخواهند داشت.

حیا، مانع افتادن انسان در دام انحراف جنسی و ضامن پاک دامنی اوست. حیا، یکی از بهترین نیروهای کنترل کننده درونی است. حیا، سبب سلامت روانی است. اگر به این ندای درونی که نشانه هماهنگی با طبیعت انسانی است، پاسخ داده نشود، تعادل انسان از میان می رود. همان گونه که پاسخ ندادن به غریزه گرسنگی و تشنگی، انسان را به سختی می اندازد، پاسخ ندادن به غریزه حیا نیز روابط انسان را مختل می سازد. همچنین در پرتو حیا، شخصیت آدمی در امان می ماند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «مَنْ کَساهُ الْحیاءُ ثَوْبَهُ خَفِیَ عَلَی النّاسِ عَیْبُهُ؛ هر کس جامه حیا را بر خود بپوشاند، عیبش از مردم پوشیده می ماند.»(۴) البته میان ادب و

۱- ۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۴.
۲- ۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۱۷۳.
۳- ۳. همان، ج ۴۳، ص ۱۳۸.
۴- ۴. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۳.

حیا نیز رابطه محکمی وجود دارد و بسیاری از رفتارهای مؤدبانه، نمونه ای از رفتار حیامدارانه است. در بسیاری از موارد، سبب پای بندی افراد به ادب، وجود روحیه حیا در آنهاست. انسانی که حیا دارد، از انجام دادن کارهای ناپسند خجالت می کشد، در حالی که اگر شرم نمی کرد، ممکن بود آنها را انجام دهد. از این رو، حیا، در آراسته شدن انسان به ادب نیز نقش به سزایی دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می فرماید:

آنچه از حیا ریشه می گیرد، عبارت است از: نرمش؛ مهربانی؛ در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان؛ سلامت؛ دوری کردن از بدی؛ خوش رویی؛ گذشت و بخشندگی و پیروزی و خوش نامی میان مردم. اینها فایده هایی است که خردمند، از حیا می برد.(1)

بی حیایی، زن را با همه ارزش والای ذاتی اش، ابزاری برای سودجویان می سازد و غرور زنانه شان را که بخش جدا ناشدنی از شخصیت زنانگی آنان است، خواهد شکست.

با نگاهی گذرا به مباحث پیش گفته، می توان مهم ترین عوامل بی حجابی را در محورهای زیر جست وجو کرد.

۱. ضعف ایمان

عمل به آموزه های الهی جز در پرتو ایمان و آگاهی میسر نخواهد شد. بنابراین، کسانی که در اعتقاد به خداوند و ضرورت دستورات دینی تردید دارند و قلب آنها در ایمان به خداوند و محاسبه روز جزا به مقام اطمینان نرسیده است، در عمل به دستورهای الهی نیز تسامح می ورزند. این افراد که به ضرورت

۱- ۱. همان، ص ۵۶۴.

حجاب آن گونه که باید و شاید پی نبرده اند، در پای بندی به آن نیز از خود ضعف و سستی نشان می دهند.

۲. هوس رانی

برخی زنـان برای ارضای هوس رانی خود، به تنوع پوشـش، آرایش و زینت بسـیار اهمیت می دهنـد و بهترین اوقات خود را به حضور در محیط های تجارتی و تفریحی و مهمانی های مفسده انگیز می گذرانند. این دسته از بانوان بدون تفکر و تعقّل مانند اشـیای بی اراده به کارهایی دست می زنند که هیچ گونه فایده ای برای آنها ندارد و از این رهگذر، آسـیب های جدی متوجه آنان می شود.

۳. جلب توجه دیگران

آدمی می خواهد در جامعه، جایگاه ویژه ای داشـته باشد که چنین جایگاهی گاه به صورت حقیقی و گاه به صورت مجازی و کـاذب به دست می آیـد. جایگـاه حقیقی را بـا دانش و فضایـل اخلاقی می توان به دست آورد، ولی برخی زنـان که از چنین ارزش هـایی محروم هسـتند، بـا نمـایش زیبـایی ها و جاذبه های طبیعی زنانگی خود به دنبال جلب توجه دیگران هسـتند و می کوشـند کمبودهـای کمـالی خود را از این راه جبران کننـد، غافـل از اینکه بی حجابی، تنها توجه بیماردلان را به زن جلب می کند که خود، کمترین اعتباری ندارند.

۴. دگر آزاری

بعضـی از زنان که عقـده دگرآزاری دارند، با خودآرایی می کوشـند تمایلات مردان را برانگیزند، ولی بی پاسخ بگذارند. این حرکت، مردان را عقده مند می سازد و در مقابل، زنان سادیسمی از این حرکت خود لذت می برند.

ص:۱۲

۵. غرب زدگی

یکی از مشکلات دیرینه جوامع مسلمان، پیروی کورکورانه و بدون تفکر و تحلیل آنان از غرب است. آنها توجه ندارند که اگر غرب به ارزش های انسانی زن می اندیشید، هرگز به برهنگی و استفاده ابزاری از او فکر نمی کرد. او را به عنوان موجودی نمی شناخت که می تواند مرد را ارضا کند و اگر نتواند از عهده این وظیفه برآید، به سرعت مطرود شود. ازاین رو، زن برای ایفای نقش یاد شده و حفظ بقای خود، با قدرت تمام، به آرایش و خودنمایی سرگرم شده است تا توجه مردان را به سوی خود جلب کند. زنان با این گرایش به گونه ای سردرگم شده اند که خود به دنبال شکارچیان خویش می دوند تا طعمه آنان گردند.

این در حالی است که زن مسلمان، ارزشمندتر و والاتر از آن است که به دنبال سلوک غربی باشد و از زن غربی که از ماهیت انسانی خود تهی شده است، الگو برداری کند.

۶. پل زدن به ازدواج

برخی دختران، بدلباسی و خودنمایی خود را پلی برای رسیدن به ازدواج می پندارند. آنان گمان می کنند با بیرون ریختن مو از زیر روسری، پوشیدن لباس های زننده، آرایش های ناپسند و نشان دادن زیبایی های زنانه خود می توانند جوانان را به خود جذب کنند. اینان از این نکته غافلند که جوانان با همه اقبال و خوش رویی هایی که با ایشان داشته باشند، در پی ازدواج با آنان نخواهند بود. غالب جوانان در پی آنند که دختری را برای همسری خود برگزینند که طرح دوستی با جوان دیگری را در پرونده خود نداشته باشد. جوانان بی تقوا از دختران

ص:۱۳

خودنما برای لذت های زودگذر استقبال می کنند. در حقیقت، این دختران در چشم ها جای دارند، نه در دل ها. بنابراین، بدحجابی و ظاهرسازی، چشم انداز مناسبی برای ازدواج نیست و اگر هم ازدواجی به خاطر جاذبه های جنسی صورت پذیرد، بنیان محکمی نخواهد داشت.

۷. فخرفروشی

یکی دیگر از ریشه های خودنمایی، فخرفروشی است. بعضی از زنان دوست دارند دیگران رفاه مالی آنان را ببینند. بدین منظور، لباس های فاخر می پوشند و ارزش خود را در طلا و جواهرات می جویند. اینان از جدیدترین و شیک ترین لباس ها و جواهرات بهره می گیرند و می کوشند تا خود را برتر از دیگران نشان دهند و اندوخته های مالی خود را به رخ دیگران بکشند و به این عمل افتخار کنند. نخوت، غرور و فخرفروشی در رفتار آنان موج می زند و برای خود جایگاه ویژه ای قائلند.

زنان و دختران اگر در دایره عقل و شرع حرکت نکنند، طبیعت آنان خواهان ظاهرسازی و جلوه گری جسمانی است.

۸. تبلیغات استعماری

زنان، توان اثرگذاری بالایی دارند و استعمارگران نیز از این نکته، بیشترین بهره برداری را می کنند. اقبال لاهوری، درباره آگاه شدن زنان از فریب های تبلیغاتی استعمار گفته است:

ای زافسون فرنگی بی خبر**فتنه ها در آستین او نگر

از فریب او اگر خواهی امان***

اشترانش را ز حوض خود بران

استعمار برای رواج فرهنگ برهنگی از راه کارهای گوناگونی بهره می برد که در این میان، زن مسلمان باید با هشیاری کامل، خود را از دام صیادان عفاف به دور دارد.

عده ای از زنان فریب خورده در راه ترویج مدهای مبتذل در جامعه اسلامی، به مهره بی مزد و مواجب استعمار تبدیل شده اند. اینان در حقیقت، سربازان تهاجم فرهنگی غربند که مشکلات گوناگونی مانند: نابسامانی روحی و خانوادگی، پای بند نبودن به ارزش های دینی و فقر و ناداری، آنان را به این روز انداخته است.

۹. وسوسه های شیطانی

شیطان با همه ارزش های الهی مخالف است و از گسترش گناهان و زشتی ها استقبال می کند و در این راه از هر ابزاری بهره می گیرد. شیطان با بررسی روحیه افراد، باورهای انحرافی اش را به شیوه های گوناگون عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی به آنان القا می کند. باید دانست گناهان کلیدی نزد شیطان، اولویت دارند؛ زیرا این نوع زشتی ها سبب اشاعه گناهان می گردد. شیطان از یک طرف دریافته است که صلاح و فساد زن در صلاح و فساد اجتماع نقش چشم گیری دارد و از طرف دیگر می داند که زنان به خودنمایی نزد دیگران علاقه مندند و این خودنمایی هم در اشاعه گناهان نقش کلیدی دارد. شیطان چنان در این مأموریت خود موفق عمل کرده است که برخی زنان باور کرده اند چنین معصیت های آشکاری، شاخص روشن فکری و نشانه پیشرفت است. هر کسی با کمترین واقع بینی، به سرعت درمی یابد که هوس رانی نه تنها نشانه

روشن فکری و متمدن بودن نیست، بلکه قلب را تاریک و عقل را ضعیف می سازد و جز از وسوسه های شیطان و نفس اماره برنمی خیزد. بی حجابی، نتیجه متمدن بودن نیست، بلکه در غرایز جنسی و ضعف باورهای دینی ریشه دارد.

۱۰. سرزنش دیگران

یکی از ریشه های بی حجابی، سرزنش هم کلاسی ها، دوستان و آشنایان و گاهی هم اعضای خانواده است. بسیاری از بانوان با برخورداری از سلامت نفس، می خواهند حجاب دینی کامل داشته باشند، ولی راهزنان پوشش به آنها شبیخون می زنند و زبان به سرزنش می گشایند که تو چرا خود را محصور و آزادی خود را سلب می کنی. گاهی هم این سرزنش ها از سوی مردان است که برای رسیدن به لذت های نامشروع خود چنین می کنند.

۱۱. مدگرایی

مدگرا می کوشد همواره از تازه های لباس و آرایش آگاه شود و به هر قیمتی از آنها بهره گیرد. مدگرایی کورکورانه، نتیجه غلبه شهوت و تنوع طلبی افراطی بر روح انسان است. شهوت لباس، زنان و دختران و افراد مدگرا را به اسارت مدسازان درآورده است. مدسازان پشت پرده که با بهره گیری از پژوهش های گسترده روان شناسی به طراحی مدهای جدید می پردازند، با طرح مدل های تحریک آمیز کفش، لباس و آرایش زنان، مقلدان بی اراده را اغفال می کنند.

یکی دیگر از ریشه های خودنمایی و بی حجابی، تقلید ناموجه از زنان و دخترانی است که بنا به دلایلی از تقوای پوششی دور مانده اند. دلیل چنین تقلیدی را باید در ناآگاهی، ساده لوحی، هم رنگی با دوستان، چشم و هم چشمی، فریب خوردن و امثال آنها جست وجو کرد. چنین افرادی بدون کمترین تفکر،

عاقبت اندیشی و بررسی ماهیت پی آمد حکم شرعی رفتار خود، از دیگران تقلید می کنند. اگر آدمی براساس مصالح واقع بینانه و منافع همه جانبه خود تصمیم بگیرد، در چنین گردابی نخواهد افتاد.(۱)

۱۲. ضعف غیرت

سست غیرتی سرپرست خانواده در گرایش به بی حجابی و سستی حیا و عفت زنان و دختران نقش بسزایی دارد. این روحیه منفی گاهی سبب می گردد وی با برخی توجیه های نفسانی بر بی حجابی و جلوه گری ناموس خود اصرار ورزد و چه بسا به آنجا رسد که به نمایش زیبایی ها و لباس های فاخر و زینت های گران بهای او بر دیگران فخر کند. برخوردهای چنین کسی با ادعای انسانیت و مردانگی او در تضاد است.

۱۳. عدم نظارت سیاست گذاران فرهنگی

یکی از وظیفه های مهم مسئولان فرهنگی کشور، نظارت بر مؤسسه های تولید پوشاك است که بسیاری از آنها به مراکز مدسازی و دوخت لباس های مبتذل تبدیل شده اند. این مراکز، آزادانه و به دور از هرگونه نظارتی، لباس های غیرمعمول و غیرشرعی تولید می کنند و حتی لباس های کودکان و نوجوانان نیز از مدسازی اینان در امان نمانده است.

نظارت بر فرآورده های فرهنگی، تولید و نمایش فیلم و رفتار بازیگران از تبدیل شدن تلویزیون و سینمای کشور به صحنه ترویج مدهای غربی جلوگیری می کند. به این نکته هم باید اشاره کرد که براساس قوانین جمهوری اسلامی،

۱- ۱. محمدرضا اکبری، تحلیل نو و عملی از حجاب در عصر حاضر، صص ۱۹۰_۱۴۶.

خانم هایی که حجاب شرعی را رعایت نمی کننـد، مجرمند و کیفر خاصـی برای این وضـعیت در نظر گرفته شده است. با این حال، از تصویب صـریح، جامع و متقن قوانین پوشـش دینی که از ضـروریات دین اسـلام به شمار می رود، خبری نیست و خلأ آن بیش از پیش احسـاس می شود. دسـتگاه هـای اجرایی نیز در برخورد بـا پوشـش های غیراسـلامی و طراحی مـد، سـردرگم هستند و بیشتر اوقات، با بی اعتنایی از کنار این مسئله می گذرند.

۱۴. خانواده سهل انگار

خـانواده هـایی که از آموزه هـای دینی فاصـله می گیرنـد، در برزخ میـان عمـل به آموزه های دین یا تن دادن به خواسـته های نفسانی خود قرار می گیرنـد. عقایـد آنها رنگ مـذهبی دارد، ولی حقیقت دینی ندارد؛ زیرا دین را در محدوده ای می پذیرند که بـا باورهـای غیردینی آنها تضاد نداشـته باشـد. دین، لقلقه زبان اینان است و در صورت روبه رو شـدن با کمترین سـختی یا تضاد آموزه های دین با تمایلاتشان، به راحتی از دین چشم پوشی می کنند. فرزندان چنین خانواده هایی به فرهنگ تسامح در برابر دین خو می گیرند و به تدریج به سوی بی حجابی گام برمی دارند.

۱۵. ضعف حیا

پوشـش و حیا، تفکیک ناپذیرند. تا جلوه ای از حیا در زنی وجود نداشـته باشد، پوشـش را هم با جدیت مراعات نخواهد کرد. زنان باحیا کسانی هسـتند که با پوشش کامل، از نمایش بدن، موی سر و زینت های خود شرم دارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «خدا، حیا و پوشیدگی بندگانش را دوست دارد.»(۱) بی حیایی

۱- ۱. مستدرک الوسایل، ج ۷، ص ۴۶۳.

زنان و دختران جوان بیشتر در هم نشینی با دوستان بی حیا، تماشای فیلم های مبتذل، بی توجهی به ارزش والای عفت و حیا، ضدارزش ندانستن بی شرمی، فرهنگ نامناسب خانوادگی و بی قید و بندی پدر و مادر ریشه دارد.

مسائل اخلاقی و تربیتی از ظرافت خاصی برخوردار است و از پایین ترین دوره سنی شکل می گیرند. اشتباه است که به مسائل تربیتی مربوط به شرم و حیای دختران تا نه سالگی توجه نشود. آن گاه با فرارسیدن زمان تکلیف از آنها خواسته شود تا یک باره در درون خود انقلاب برپا کنند. امور تربیتی، حقایقی هستند که باید به تدریج شکل گیرند. حجاب نیز یک فرهنگ است و باید به تدریج و در گذر زمان در روح و جان آدمی نهادینه شود. صفت ارزشمند حیا، ارزشی بزرگ به زن می بخشد و بی حیایی، او را از مقام انسانیت به زیر خواهد کشید.

ص:۱۹

فصل دوم: تأثیر حیا بر پوشش بانوان

اشاره

از آنجا که مسئله حیا و نقش آن در بی حجابی بسیار پررنگ می باشد از این رو نقش کلیدی آن را مورد بررسی قرار می دهیم.

مفهوم شناسی حیا

معادل فارسی حیا، شرم و آزرم است.(۱) علامه دهخدا می نویسد: «شرم، حیرت و وحشتی است که در آدمی پیدا شود از آگاه شدن دیگری به عیب یا نقص او.»(۲) علامه مجلسی رحمه الله درباره حقیقت حیا می نویسد: «حیا، ملکه ای (عادتی که جزو شخصیت انسان شده باشد) است که موجب گرفتگی (انقباض) نفس از (ارتکاب کار) زشت می شود و باعث خودداری نفس از انجام کاری برخلاف آداب، از ترس سرزنش می گردد.»(۳) استاد مطهری نیز نوشته است: حیا، عفاف و پوشش، تدبیری است که خود زن برای بالا بردن ارزش و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به کار می برد».(۴)

فلسفه اصلی حیا، شرم کردن از کارهای زشت و کنترل غریزه جنسی است. غریزه جنسی، توفنده ترین غریزه در انسان است که در درجه اول، به پاسخ گویی

۱- ۱. دهخدا، ج ۱۸، ص ۸۴۳.

۲- ۲. همان، ص ۳۳۳.

۳- ۳. مرآه العقول، ج ۸، ص ۱۸۷.

۴- ۴. مسئله حجاب، ص ۶۲.

صحیح و در درجه دوم، نیاز قطعی به کنترل دارد.(۱)

ضرورت حیا برای بانوان

حیای زن؛ حریم و دورباشی است که زن خود به خود در روابطش با مردان برای خویش در نظر می گیرد. مونتسکیو می نویسد: «تمام ملل جهان بر این عقیده مشترک هستند که زنان باید حجب و حیا داشته باشند.»(۲) پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «أَلْحَیاءُ عَشَرَهُ أَجْزاءٍ فَتِسْعَهٌ فِی النِّساءِ وَ واحِدٌ فِی الرِّجالِ؛ حیا ده بخش است، نُه بخش آن در زنان و یک بخش آن در مردان است.»(۳) زن اگر به راحتی در اختیار مردان قرار گیرد، ارزش خود را از دست می دهد. پس روحیه حیا در او بیش از مرد وجود دارد. مونتسکیو با نگاه حقوقی خاص خود می نویسد:

قوانین طبیعت این طور حکم کرده و لازم دانسته که زن ها محجوب باشند و بر شهوات خود غلبه نمایند. طبیعت مرد را طوری آفریده که تهورش زیادتر می باشد، ولی زن طوری آفریده شده که خودداری و تحملش زیادتر است. بنابراین، هرگز نباید تصور کرد افسار گسیختگی زن ها طبق قوانین طبیعی است، بلکه افسار گسیختگی برخلاف قوانین طبیعت می باشد و بالعکس، حجب و حیا و خودداری، مطابق قوانین طبیعت است.(۴)

اگر زن برای مردان دست یافتنی باشد، نه تنها در قلب آنان، محترم و با ارزش نیست، بلکه ارزش واقعی اش نیز تحت الشعاع قرار می گیرد و رنگ می بازد.(۵) ویل دورانت می نویسد:

ص:۲۱

۱- ۱. محمد مهدی حرزاده، حیا زیبایی بی پایان، صص ۷۳ و ۷۴.

۲- ۲. روح القوانین، ص ۴۴۰.

۳- ۳. کنزالعمال، ج ۳، ح ۵۷۶۹.

۴- ۴. روح القوانین، ص ۴۴۰.

۵- ۵. حر زاده، حیا؛ زیبایی بی پایان، ص ۸۰.

شرم و عفت برای دختر همچون وسیله دفاعی است که به او اجازه می دهد از میان خواستگاران خود، شایسته ترین آنان را برگزیند یا خواستگار خود را ناچار سازد که پیش از دست یافتن بر وی، به تهذیب (و اصلاح) خود بپردازد.(۱)

همچنین برتراند راسل می نویسد:

تصور من این است که اگر مردی به سهولت به زنی دست بیازد، احساس آن مرد نسبت به آن زن یک نوع احساس عاشقانه عمیق نیست.(۲)

یکی از دلایل اصلی وجود حیا در انسان، حفظ عفت و کنترل شهوت است. در روایات ما نیز بر این امر تأکید شده است. امام علی علیه السلام می فرماید: «علت پاک دامنی، حیاست.»(۳) یا می فرماید: «پاک دامنی به اندازه شرم و حیا بستگی دارد».(۴)

نکته مهم در حفظ حیای مردان این است که هرچند دست تدبیر آفرینش از یک طرف، غریزه خودنمایی را در نهاد زن درونی ساخته است تا نهاد خانواده استحکام یابد، ولی از طرف دیگر، «حیا» را در وجود زن قرار داده است تا به طور غریزی و فطری به حجاب روی آورد و تباهی خود و اجتماع را دامن نزند.

آثار و فواید حیا

اشاره

فواید حیا را می توان چنین برشمرد:

۱. پاک دامنی

حیا مانع افتادن انسان در دام انحراف جنسی و ضامن پاک دامنی اوست. حیا

ص:۲۲

۱- ۱. تاریخ تمدن، ج ۵، ص ۷۴.

۲- ۲. زناشویی و اخلاق، ص ۷۹.

۳- ۳. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۴.

۴- ۴. همان.

یکی از بهترین نیروهای کنترل کننده درونی است. مسلمان معتقد در پرتو حیا از تمام اشکال بی عفتی پرهیز می کند.

۲. سلامت روان

حیا، ویژگی درونی انسان است و هماهنگی با آن، نشانه هماهنگی با طبیعت انسانی است. اگر به این نـدای درونی پاسـخ داده نشود، تعادل انسان از بین می رود. همان گونه که پاسخ نـدادن به غریزه گرسـنگی و تشـنگی، انسان را به سـختی می انـدازد، پاسخ ندادن به غریزه حیا نیز روابط انسان را مختل می کند.

۳. حفظ شخصیت آدمی

حیا سـبب می شود انسان، رفتارهای خلاف ادب انجام ندهـد. حضـرت علی علیه السـلام می فرماید: «اَلْحَیاءُ تَمامُ الکَرَمِ؛ شـرم، کمال بزرگواری (و شخصیت) است.»(۱) نیز می فرمایـد: «مَنْ کَساهُ الْحَیاءُ ثَوْبَهُ خَفِیَ عَلَی النّاسِ عَیْبُهُ؛ هرکس، جامه حیا را بر خود پوشاند، عیبش از مردم پوشیده ماند».(۲)

۴. ادب

میـان ادب و حیـا، رابطه محکمی وجود دارد و بسـیاری از رفتارهـای مؤدبـانه، مصـداق رفتـار حیامـدارانه است. در بسـیاری از موارد، علت پـای بنـدی افراد به ادب، وجود روحیه حیـا در آنهـاست. امـام صادق علیه السـلام به یکی از شاگردان خود به نام مُفَضَّل می فرماید:

اگر حیـا نبود، انسان هیـچ گاه مهمان نمی پـذیرفت، به وعـده وفا نمی کرد، نیازهای مردم را برآورده نمی ساخت، از نیکی ها برحذر بود و بدی ها را مرتکب می شد. بسیاری از امور لازم و واجب نیز به خاطر حیا انجام می شود.

۱- ۱. همان، ص ۵۶۲.

۲- ۲. همان، ص ۵۶۳.

بسیاری از مردم هستند که اگر حیا نمی کردند و شرمگین نمی شدند، حقوق والدین را رعایت نمی کردند، هیچ صله رحمی به جای نمی آوردند، هیچ امانتی را به درستی پس نمی دادند و از زشتی بر حذر نبودند.(۱)

اساسا انسانی که حیا دارد، خجالت می کشد کارهای ناپسند انجام دهد، در حالی که اگر شرم نمی کرد، ممکن بود آنها را انجام دهد. ازاین رو، حیا در آراسته شدن انسان به ادب نقش بسزایی دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

أَمّا الْحَیاءُ فَیَتَشَعَّبُ مِنْهُ اللّینُ وَ الرَّأْفَهُ وَ الْمُراقَبَهُ لِلّهِ فِی السِّرِّ وَ الْعَلانِیَهِ وَ السَّلامَهُ وَ اجْتِنابُ الشَّرِّ وَ الْبَشاشَهُ وَ السَّماحَهُ و الظَّفَرُ وَ حُسْنُ الثَّناءِ عَلَی الْمَرْءِ فِی النّاسِ فَهذا ما أَصابَ الْعاقِلُ بِالْحَیاءِ فَطُوبی لِمَنْ قَبِلَ نَصِیحَهَ اللّهِ وَ خافَ فَضِیعَتَهُ.(۲)

آنچه از حیا ریشه می گیرد، عبارت است از: نرمش، مهربانی، در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان، سلامت، دوری کردن از بدی، خوش رویی، گذشت و بخشندگی، پیروزی و خوش نامی در میان مردم. اینها فوایدی است که خردمند از حیا می برد.

حیا، ارزش زن را حفظ می کند، ولی بی حیایی «کار را به جایی می کشاند که جامعه از زن نه به عنوان یک موجود دارای شخصیت و هویت، بلکه از اجزای بدن او صحبت به میان می آورد... او که همواره با حفظ شرم از موضع قدرت و ناز با جنس مخالف روبه رو می شد، اکنون خود را از موضع ضعف و نیاز، عرضه می کند. اکنون آن غرور زنانه که جزء جداناپذیر زنانگی اوست، به کلی شکسته شده است و دیگر از آن عزت نفس و مناعت طبع که او را محبوب و معشوق می ساخت، خبری نیست».(۳)

۱- ۱. توحید مفضل، ترجمه و نگارش: نجف علی میرزایی، ص ۷۳.

۲- ۲. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۴.

۳- ۳. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶۱.

در این حالت، زن با آن همه ارزش والای خود ابزاری می شود برای شغل های پستی که شئون زنانگی اش را به خطر می افکند. زنان در غرب نه تنها از این وضعیت ناراحت نیستند، بلکه به آن افتخار هم می کنند. بعضی از زنان جامعه اسلامی نیز از این افکار شیطانی و بی ارزش پیروی می کنند.

عوامل تضعیف حیا

۱. بی توجهی نسبت به حیا

اگر آدمی، حیا را درک نکند، به تدریج، صفت حیا در او کم رنگ می شود. صفات پسندیده نیاز به مراقبت دارند و اگر به حال خود رها شوند، از دست می روند. «شرم احتیاج به حمایت دارد تا اینکه لطیف ترین ارکان سرشت انسانی را حفظ کند.»(۱) وظیفه جوانان، مطالعه؛ وظیفه والدین، تذکر؛ وظیفه نویسندگان، نوشتن؛ وظیفه مبلّغان، سخن گفتن و وظیفه هنرمندان، به تصویر کشیدن جلوه های مثبت و منفی حیا و بی حیایی است.

۲. بی حیایی والدین

«همان گونه که تربیت صحیح، حیا را تقویت می کند، تربیت ناسالم نیز سبب تضعیف حیا می شود. والدین و مربیان باید توجه داشته باشند رفتار آنان به عنوان الگو بسیار اثرگذار است. اساس بسیاری از بی شرمی هایی که در نوجوانان (و همچنین جوانان) به چشم می خورد، بی شرمی پدر و مادر در روابط است».(۲)

۳. رسانه های جمعی

رسانه های گروهی مانند: مطبوعات، کتاب، اینترنت، رادیو، تلویزیون، سینما،

۱- ۱. همان.

۲- ۲. فرزانه صمدی، بلوغ و دگرگونی های آن، ص ۷۵.

ویدئو، ماهواره و سی دی، بر فرهنگ جامعه اثر می گذارند. رسانه ای تصویری به علت داشتن صحنه ای نامطلوب، تاثیر زیادی بر حیای بینندگان خود می گذارد. این مسئله در مورد محصولات فرهنگی کشورهای غربی به ویژه امریکا محسوس تر است و آگاهانه تلاش می کنند فرهنگ ابتذال، برهنگی و بی حیایی را جای گزین سازند.

مدیر آژانس اطلاعاتی امریکا می گوید: «ما سعی می کنیم تا طرز تفکر انسان را توسط وسایل ارتباط جمعی تحت نفوذ قرار دهیم، به وسیله تماس های فردی، فرستنده های رادیویی، کتاب خانه ها، انتشارات و پخش کتاب مطبوعات، فیلم های سینمایی تلویزیون، نمایشگاه ها، تدریس زبان انگلیسی و سایر طرق».(۱)

گذشته از فیلم های مبتذل، فیلم های نسبتا معمولی سینمای هالیوود و بالیوود نیز به دلیل نمایش روابط آزاد زن و مرد و پوشش زننده زنان بر روحیه حیای بینندگان تأثیر منفی می گذارد. ناگفته پیداست اگر فیلم های سینمایی و تلویزیونی ایرانی، اصول حیا و آزرم را در فیلم ها رعایت نکنند، به دلیل تشابه خاستگاه فرهنگی، بر مخاطبان تأثیر بسی زننده تری دارند. به راستی، چشم دوختن دختران و پسران و زنان و مردان در فیلم ها به یکدیگر، صحبت های عاشقانه پسران و دختران بدون اشراف پدر و مادر و بدون رعایت مسائل شرعی چگونه قابل توجیه است. این مسائل به ویژه در تلویزیون، با حذف چاشنی جنسی و عادی جلوه دادن این روابط صورت می گیرد تا تقابل جدی غیرت مندان را برنیانگیزد. بی شک، دیدن این صحنه ها تأثیر منفی فراوانی بر حیای افراد

۱– ۱. مجله تربیت، تابستان ۱۳۷۵، ص ۱۰.

می گذارد. گفتنی است صحنه های مخالف حیا تنها به بی حجابی منحصر نیست، بلکه صحنه های خلاف ادب مانند پرخاش به والدین را نیز شامل می شود.

ارتباط پوشش و حیا

بسیاری از نویسندگان، استفاده انسان از لباس را معلول وجود روحیه حیا در انسان می دانند. غلام علی حداد عادل می نویسد:

از مجموع تحقیقاتی که به عمل آمده، مسلّم شده لباس دست کم پاسخ گوی سه نیاز آدمی است. اول اینکه او را از سرما و گرما و باد و برف و باران حفظ می کند. دیگر اینکه برای حفظ عفت و شرم به او کمک می نماید و بالاخره به او آراستگی و وقار می بخشد. پس منشأ اصلی پیدایش لباس، نیاز به محفوظ ماندن، عفیف ماندن و زیبا بودن است.(۱)

رعایت کردن حجاب بر افزایش حیا تأثیر دارد و از عوامل تقویت آن به شمار می آید. البته تا احساس قلبی در کار نباشد، انسان دست به کاری نمی زند. عقل، راه را به انسان نشان می دهد و احساس، انرژی و انگیزه به انسان می بخشد. احساس حیا، انگیزه استفاده از حجاب اسلامی را به دختران می دهد. تا زمانی که دختر یا زن احساس نکند نمایان بودن مو و سر و گردن یا تنگی و کوتاهی لباس، زشت است و از آن شرم نکند، انگیزه لازم برای پوشاندن خود را به دست نخواهد آورد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

بر شما لازم است لباس ضخیم بپوشید. هرکس لباسش نازک است، دین او هم نازک (و سطحی) است.(۲)

امروزه بعضی از زنان به ظاهر این توصیه را رعایت می کنند، ولی بر اثر

۱- ۱. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۶.

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۸۹.

سهل انگاری، لباس ظاهر یعنی چادرشان کنار می رود و لباس های نامناسب شان نمایان می شود. حیا در پوشش آن است که زن و مرد، لباس های بلند و گشاد (در حد متعادل) بپوشند و از پوشیدن لباس های نازک بدن نما و رنگ های محرک (نه شاد) پرهیز کنند.

در کنار این مسئله، حیای چشم (نگاه) هم اهمیت بسیار دارد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «أَلْحَیاءُ غَضُّ الطَّرْفِ؛ شرم، چشم فرو بستن است.»(۱) حیای چشم؛ یعنی شخص از دیدن آنچه دیدنش زشت است، چشم فروبندد. امام باقر علیه السلام می فرماید: «فَاِنَّ اللّه ـ جَعَلَ الْحَیاءَ فِی الْعَیْنَیْنِ؛ به درستی که خدا، حیا را در چشم ها قرار داده است».(۲) ویل دورانت می نویسد: «مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیاست».(۳)

حیا در گفتار نیز دو جنبه دارد. یکی، محتوای سخن و دیگری، حالت سخن. خداوند در قرآن می فرماید: «فَلاتَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الّذی فی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْروفا؛ به ناز سخن نگویید تا آنکه در دلش بیماری است، طمع ورزد و گفتار شایسته بگویید.» (احزاب:۳۲) معمولاً انسان های مؤمن و معتقد حتی از خود نیز حیا دارند. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «حَیاءُ الرَّجُلِ مِنْ نَفْسِهِ ثَمَرةُ الإیْمانِ؛ شرم داشتن مرد از خود، میوه ایمان است.»(۴) ایشان در بیان دیگری می فرماید: «غایَةُ الْحَیاءِ أَنْ یَسْتَحْیِیَ الْمَرْءُ مِنْ نَفْسِهِ؛ اوج حیا آن است که آدمی از خودش شرم کند.»(۵) در این حال، آدمی حتی در جایی که او را هم نمی شناسند، باز مراقب رفتار خود خواهد بود. البته انسانی که عالم را محضر

۱- ۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۴.

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۸۰.

۳- ۳. لذات فلسفه، ص ۱۲۹.

۴- ۴. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۶۹.

۵- ۵. همان.

خداوند می داند، هماره از خداوند شرم می کند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «از خدا چنان که باید، شرم کنید.» پرسیدند: ای پیامبر خدا! چه کسی از خدا چنان که باید، شرم می کند؟ فرمود:

کسی که از خدا به راستی حیا داشته باشد، باید اجل خود را در برابر دیدگانش قرار دهد؛ به دنیا و فریبندگی های آن پشت کند؛ مراقب سر و اندیشه خود و شکم و خوراک خود باشد و گور و پوسیده شدن بدن را از یاد نبرد.(۱)

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «أَفْضَلُ الْحَیاءِ اسْتِحْیاؤُکَ عَنِ اللّه ِ؛ برترین حیا آن است که از خدا شرم کنی.»(۲) پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در سخنی نغز می فرماید:

هریک از شما باید از دو فرشته ای که با خود دارد، شرم کند، همچنان که از دو همسایه خوب خود که شب و روز در کنارش هستند، شرم می کند.(۳)

محاسبه نفس، تشکیل دادگاه فعال درونی است که رفتارش را در ترازوی حکمت و شریعت بسنجد و داوری کند.

۱- ۱. همان، ص ۵۶۸.

۲- ۲. همان.

۳- ۳. کنزالعمال، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۵۷۵۱.

فصل سوم: ضرورت ها و بایسته های غیرتمداری

اشاره

از آنجا که غیرت یکی دیگر از عوامل مهم تقویت یا تضعیف حجاب و عفاف در جامعه دینی می باشد در این فصل آن را مورد واکاوی قرار می دهیم.

معنای غیرت

(۱)

«غیرت» در لغت؛ به معنای رشک بردن، تعصب و حفظ کردن ناموس است(۲) و در اصطلاح عبارت است از «تأثیر پذیری همراه با بغض و کینه و تیر گی دل، که انسان معمولاً زمانی درکش می کند که احساس کند فرد محبوب وی، توجه یا محبتش را معطوف شخص دیگری کرده است».(۳)

به عبارت دیگر، «غیرت، حس درونی است که آفرینش برای محافظت و نگاهبانی از حریم خانواده و پاسداری از نسل، در وجود مرد نهاده است. در حقیقت، این حس در مرد وجود دارد که می خواهد ناموس خود را از دسترس کامجویی دیگران دور کند و همسر خود را تنها در انحصار خود نگه دارد».(۴)

غیرت، یکی از ویژگی های برجسته اخلاقی پیامبران و اولیای الهی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

كانَ ابراهیمُ اَبی غَیورا، و أنا أغیرُ مِنْه و أَرْغَم اللّه ُ أنْفَ مَن لا یَغارُ مِن

۱- ۱. معصومه صفدری، غیرت، طوبی شماره ۱۹.

۲- ۲. فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۱۷۹۳.

۳- ۳. محمد عثمان نجاتی، قرآن و روان شناسی، ص ۱۳۵.

۴- ۴. محمدعلی سادات، راهنمای همسران جوان، ص ۱۶۴.

المؤمنین.(۱)

پـدرم ابراهیم، غیـور و جـوان مرد بود و من از او غیورترم و خداونـد بینی کسـی را که اهـل ایمـان است، ولی غیرت نـدارد، به خاک بمالد.

غیرت؛ یکی از جلوه های مردانگی

مرد، پاسـدار حرمت و کرامت زن است و زمینه ساز این پاسـداری و حراست از نوامیس، ویژگی ها و مسـئولیت هایی است که خداوند در مردان قرار داده است. هرچه مرد بر کمالات انسانی خود بیفزاید، بر معرفت و غیرت او نیز افزوده می شود.

نقل است که پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله ، فرد مشـرکی را به خاطر غیرت ورزی اش، از کشته شدن نجات می دهد و او را می ستاید. امام صادق علیه السلام در این باره روایت می کند:

اسیرانی را به محضر پیامبر آوردند، پیامبر فرمود: «جز یک نفر، بقیه را گردن زنند». آن مرد (نجات یافته) گفت: چرا مرا از قتل رهـا کردی؟ پیـامبر فرمود: «خداونـد بـا پیک وحی اش به من خبر داد که در تو پنـج ویژگی وجود دارد که آنها را خداونـد و رسولش دوست می دارند؛ یکی از آنها غیرت و نگهبانی از ناموس است».(۲)

شهید مطهری در این باره می نویسد:

مرد بر خلاـف آنچه در ابتـدا به نظر می رسـد، در عمق روح خود از ابتـذال زن و تسـلیم و بی ارادگی او متنفر است و همیشـه عزت و بی نیازی و بی اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است.(۳)

۱- ۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۹.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۰۸.

۳- ۳. شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۰۲.

غیرت، آفت هایی نیز دارد که یا آن را از میان می برد یا آن را بسیار کم رنگ می سازد. «اگر مرد در شهوت های نفسانی غوطه ور گردد و کمالات انسانی خود را کم کم از دست دهد، غیرت نیز همانند دیگر کمالات اخلاقی، نورانیت خود را از دست می دهد و خاموش خواهد شد. در این صورت، اگر همسرش وسیله کامجویی دیگران قرار گیرد و دست و نگاه آلوده متوجه او شود، نه تنها آزرده خاطر نمی شود، بلکه لذت می برد و افتخار هم می کند و حتی بیشتر از زن، در نشان دادن زیبایی های همسر خود به نامحرمان اصرار می ورزد».(۱)

غیرت اجتماعی

«جامعه اسلامی، اجتماعی به هم پیوسته است که فرد فردِ این جامعه، نباید خود را تافته جدا بافته از دیگران بدانند. مردان موظفند. در برابر بی مبالاتی ها، مرزشکنی ها و اذیت و آزارها و حرمت زدایی های ناموسی بایستند، به گونه ای که ناموس اجتماع را ناموس خود بدانند و در حفظ حرمت ها، زنان مسلمان را مانند همسر خود بپندارند. پس تنها در چنین جامعه ای است که زن و دختر آنها نیز از نگاه های آلوده نامحرمان در امان خواهند بود و پاکی و طهارت اجتماع، باقی خواهد ماند».(۲)

از این رو، بر همه افراد جامعه فرض است که هرگز به این مرزشکنی ها نزدیک نشوند و زمینه حرمت شکنی ناموس ها را فراهم نکنند. امام صادق علیه السلام در تعبیری زیبا این مسئولیت خطیر اجتماعی را چنین گوشزد می کند:

۱- ۱. نک: راهنمای همسران جوان، ص ۱۶۴.

۲- ۲. نک: فتحیه فتاحی زاده، حجاب، از دیدگاه قرآن و سنّت، ص ۴۱.

عِفّوا عَن نساءِ النّاسِ تَعِفَّ نسائُكَم.(۱)

چشم پوشی کنید از زنان مردم تا مردم از زنانتان چشم بپوشند.

پس در نظر داشتن تأثیر کارها و اینکه نگه داشتن حرمت ناموس دیگران، گاهی ممکن است به هتک حرمت ناموس خود فرد بینجامد، خود یکی از راه های ایجاد یا تقویت غیرت در آدمی است.

نقل است امام صادق علیه السلام در پاسخ مسئله ای که در آن از گناه اجتماعی می پرسند، گناه کار را متوجه محارم خود می کند و حس غیرت اجتماعی را در او برمی انگیزد. «از امام صادق علیه السلام پرسیدند: زنی می گذرد و مرد از پشت به او می نگرد. آیا این عمل مرد گناه است؟ حضرت فرمود: آیا هیچ یک از شما خوش دارد که کسی به زن یا زنان فامیل او نگاه کند؟ گفتند: نه. حضرت ادامه داد: پس برای مردمان، همان بخواه که برای خود می خواهی».(۲)

میانه روی در غیرت

کوتاهی و زیاده روی در هر کاری، سبب منحرف شدن آدمی از راه درست و مستقیم است و او را از رسیدن به هدف الهی باز می دارد و پی آمدهای ناگواری نیز به دنبال دارد. غیرت ورزی نیز چنین است و در صورت تفریط و افراط در آن، آثار شومی دامن گیر انسان خواهد شد. زیاده روی در غیرت افزون بر آن که موجب بدگمانی شخص نسبت به ناموس او می شود، احساس شخصیت را نیز از ناموسش می ستاند.

درباره کوتاهی و بی توجهی در امر غیرت نیز در آموزه های پیشوایان اسلام

۱- ۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۵۵۴.

۲- ۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۴.

بسیار سخن ها برجاست. مردی که تحت تأثیر تبلیغات شیطانی، هویت اصیل خود را از دست داده و زن را همچون کالایی مادی می پندارد و شخصیت خود را در داشتن زنی که در منظر دیگران خود را می آراید، جست وجو می کند، به سرزنش اسلام درمی آید، چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام در چنین اوضاعی بر سر مردم کوفه فریاد می زند که: «أما تَسْتَحْیُونَ وَ لا تَغارُونَ؟...؛ چرا حیا نمی کنید، شما را غیرت نیست؟...».(۱)

وظیفه مسلمانان در پاسداری از زنان و دختران

دشمنان اسلام می کوشند تا زنان و دختران را از حریم عفاف و جاده سلامت به در آورده و مورد سوء استفاده قرار دهند. در مقابل، مسلمانان نیز وظایفی دارند و سکوت و بی تفاوتی در برابر این توطئه خانمان سوز، پسندیده نیست.

قرآن مجید به مؤمنان می آموزد:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ أَهْلِیکُمْ ناراً وَقُودُهَا النّاسُ وَ الْحِجارَهُ عَلَیْها مَلائِکَهٌ غِلاظٌ شِدادٌ لا یَعْصُونَ اللّهَ ما أَمَرَهُمْ وَ یَفْعَلُونَ ما یُؤْمَرُونَ(۲)

یعنی: ای کسانی که به خدا و رسولش ایمان آورده اید! خود و خانواده تان را از آتش دوزخی که خود مردم و سنگها، هیزم و آتش آن است، حفظ کنید که مأموران آتش، فرشتگانی بسیار سخت دل می باشند که هرگز نافرمانی خدا نمی کنند و آنچه به آنها گفته می شود، فورا انجام می دهند.

همچنین در آیه شریفه دیگری آمده است که در روز قیامت وقتی انسانهای ظالم را به طرف جهنم می برند، آنها با حالت ترس و ذلّت با گوشه چشم بر آتش دوزخ می نگرند و در آن حال، مؤمنان خطاب به ظالمان می گویند: «إِنَّ الْخاسِرِینَ

۱- ۱. همان.

۲- ۲. تحریم: ۶.

الَّذِینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِیهِمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ»(۱) آری زیانکاران کسانی هستند که خود و خانواده شان در امروز که قیامت است ضرر کرده اند.

این آیات و توصیه های معصومین به ما گوشزد می کند که انسان علاوه بر آنکه مسئول اعمال خویش است، باید در همه حال از کسانی که وابسته به او هستند (همچون زن، دختر، خواهر، فرزند، برادر و...) نیز مواظبت کند تا آنان را از کجروی و گناه باز دارد. در این راه، باید آنان را مورد کنترل قرار داده و از برآوردن خواسته های نابجای آنان پرهیز کند.

غیرت مداری در روایات و سیره معصومین علیهم السلام

امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت علی علیه السلام می فرماید:

یا أَهْلَ الْعِراقِ! نُبِّئْتُ أَنَّ نِساءَکُمْ یُدافِعْنَ الرِّجالَ فِی الطَّرِیقِ؛ أَما تَسْتَحْیُونَ؟! قالَ الْکُلَیْنِیُّ: وَ فِی حَدِیثٍ آخَرَ أَنَ أَمِیرَالْمُؤْمِنینَ علیه السلام قالَ: أَما تَسْتَحْیُونَ وَ لاتَغارُونَ نِساءَکُمْ یَخْرُجْنَ إِلَی الْأَسْواقِ وَ یُزاحِمْنَ الْعُلُوجَ؟!(۲)

یعنی: ای اهل عراق! با خبر شدم که زنان شما در راه، با مردان برخورد می کنند؛ آیا حیا و شرم نمی کنید؟! مرحوم کلینی می گوید: در حدیث دیگری آمده است که حضرت فرمود: آیا حیا نمی کنید و به غیرت نمی آیید که زنانتان به طرف فروشگاه ها بیرون می روند و با افراد بی ایمان و لاابالی برخورد می کنند؟!

همچنین در نامه ۳۱ نهج البلاغه از کلمات حضرت امیر علیه السلام استفاده می شود که هر چه زن کمتر از منزل خارج شود، از جهات مختلف برای او و همسرش بهتر خواهد بود. البته اگر کار ضروری و لازمی برای او پیش آید و خارج شود،

۱- ۱. شوری: ۴۵.

۲- ۲. همان، ص ۱۷۶؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۳۷.

باید حجاب را کاملاً ـ رعایت کند و از هر گونه حرکت ناشایستی دوری کند. اسلام، با حضور محجبانه زنان در اجتماع مخالفتی ندارد و منافاتی بین کار زن و حجاب و مستور بودنش نمی بیند. او می تواند در بیرون از خانه کار کند ولی باید مسائل شرعی را رعایت کند. چنانچه حضرت امام رحمه اللهبارها فرمودند که اگر شؤون و مسائل شرعیه رعایت شود، خدمت و کار زن در جامعه مانعی ندارد.

البته صفت غیرت در انسان، مانند پاسبانی است که موجب ثبات خانواده می گردد و غیرتمند با تعصب و حمیت و حفظ نوامیس خود، جلوی انحرافهای احتمالی را خواهد گرفت. انسان غیور نه تنها نسبت به خانواده خود بلکه نسبت به ناموس دیگران نیز حساس است؛ زیرا وظیفه حراست و پاسبانی را منحصر در اهل و عیال خود نمی داند بلکه در سطحی گسترده تر در اجتماع و حتی در سراسر جهان خود را مسئول می داند. او آفریده خالقی است که غیور مطلق است؛ چنان که در روایتی، به غیرت الهی اشاره شده است:

إِنَّ اللّهَ غَیُورٌ یُحِبُّ کُلَّ غَیُورٍ وَ لِغَیْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَواحِشَ ظاهِرَها وَ باطِنَها.(۱)

یعنی: خداوند غیرتمند است و هر انسان غیرتمندی را هم دوست دارد و چون غیور است، گناهان زشت چه آشکار و چه پنهانش را حرام کرده است.

در برابر، کسانی که غیرتمند نیستند و مخالف آن مشی می کنند. ذلیل و خوار خواهند شد؛ چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

جَدَعَ اللّهُ أَنْفَ مَنْ لایَغارُ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُسْلِمِینَ.(۲)

یعنی: خدا بینی مؤمن و مسلمانی را که غیرت نداشته باشد، به خاک ذلّت می مالد.

۱- ۱. محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ص ۵۳۵.

۲- ۲. همان، ص ۵۳۶.

البته غیرتمداری در سیره انبیا و امامان معصوم، بوضوح دیده می شود. پیامبر گرامی اسلام با تأیید غیرتمداری حضرت ابراهیم، خود را غیرتمندتر می دانند و با یادآوری آثار زیانبار بی غیرتی، از همگان می خواهند که از باب «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللّهِ أُسْوَهٌ حَسَنَهٌ» از ایشان پیروی کنند:

کانَ إِبْراهِیمُ عَلَیْهِ السَّلامُ أَبِی غَیُورا وَ أَنَا أَغْیَرُ مِنْهُ وَ أَرْغَمَ اللّهُ أَنْفَ مَنْ لایَغارُ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ.(۱)

یعنی: پدرم ابراهیم مرد غیرتمندی بود، ولی من غیرتمندترم و خداوند بینی مسلمانی را که غیرت ندارد، به خاک ذلت می مالد.

در سیره امامان معصوم علیهم السلام که کردار و گفتار آنان نه تنها سرمشق شیعیان و مسلمانان بلکه آزادمردان جهان است، آموزه های فراوانی در این باره وجود دارد؛ برای مثال، حضرت امام حسین علیه السلام ، سردار غیرت و آزادی، وقتی مشاهده نمود که لشکر یزید بین او و اهل بیت جدایی افکنده اند، با بازداشتن آنها از حرکت به سوی خیمه های اهل بیت، غیرتمداری خویش را نسبت به تعرض به نوامیس خویش نشان داده و فرمودند:

أَقُولُ أَنَا الَّذِی أُقاتِلُکُمْ وَ تُقاتِلُونِی(۲) وَ النِّساءُ لَیْسَ عَلَیْهِنَّ جُناحٌ فَامْنَعُوا عُتاتَکُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِی ما دُمْتُ حَیّا.(۳)

یعنی: من با شما می جنگم و شما نیز با من می جنگید؛ زنها که گناهی ندارند. تا من زنده هستم نگذارید سرکشها و ستمکاران شما، متعرض اهل بیت من شوند.

با نگاهی به روایات و سیره معصومین علیهم السلام درمی یابیم که غیرت، از

ص:۳۷

۱- ۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، ص ۱۷۶.

۲- ۲. در کتاب لهوف تُقاتِلُونَنِی آمده است.

۳- ۳. شیخ عباس قمی، نفس المهموم، ص ۳۵۴.

نیکوترین صفات مردان است. خداوند غیرتمندان را دوست دارد و خود نیز غیور است. بی غیرت، در دنیا و آخرت، عذاب می کشد و بی عفتی نوامیس او، فساد خانوادگی، ناصالح شدن فرزندان و... نتیجه همین بی غیرتی است.

این روایت حضرت امیر علیه السلام که بی غیرت را واژگون و سیاه قلب می دانند، شایان توجه است:

إِنَّ اللَّهَ یَغارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْیَغَرْ وَ مَنْ لایَغارُ فَإِنَّهُ مَنْکُوسُ الْقَلْبِ.(۱)

یعنی: خداوند نسبت به مؤمن غیرت دارد. او هم باید غیرت ــ که از صفات خدای بزرگ است ــ داشته باشد. کسی که غیرت ندارد، قلبش واژگون و سیاه است.

اقسام غیرت

اشاره

در یک نگاه کلی، می توان غیرت را به اقسام زیر تقسیم کرد:

الف) غیرت در دین

مسلمان تا جایی که توان دارد، باید از دین دفاع کرده و آن را از خطرهای احتمالی حفظ کند و در صورتی که لازم باشد از بذل جان و مال در این راه دریغ نورزد و در این راه نباید از سرزنش دیگران بهراسد. بسیاری از انبیا و امامان معصوم علیهم السلام و مردان صالح در طول تاریخ جان و مال خویش را در راه حفظ و پاسداری از دین، تقدیم کرده اند.

ب) غیرت نسبت به نوامیس (فرزندان و خویشان و هم کیشان)

انسان باید مراقب همسر، دختر، خواهر و هم کیشان خود باشد و آنان را از انحراف باز دارد و نگذارد در موارد غیرضروری با نامحرم در تماس باشند.

۱- ۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، ص ۱۷۶؛ محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ص ۵۳۶.

اختلاط و روابط ناسالم عاملی در گسترش فساد و انحراف، و پرهیز از آن مورد توجّه جدّی اسلام و رهبران دینی است. اسلام، در عین تأکید بر حضور اجتماعی زن، آن را بدون قید و شرط، مجاز نمی داند. یکی از شرایط مهم و اساسی در فعالیت و مشارکت اجتماعی زنان، رعایت مرزبندی و حفظ حریم است. قرآن مجید، درباره عدم اختلاط زنان و مردان می فرماید:

وَ إِذا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتاعاً فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجابٍ.(۱)

یعنی: هرگاه از ایشان (زنان پیامبر صلی الله علیه و آله) چیزی خواستید، از پشت پرده و حایل، طلب کنید.

هر چند شأن نزول این آیه، ویژه زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله است، ولی «مورد نزول» نمی تواند شمول مفهومی آیه را محدود کند.

بنابراین، منظور آیه یاد شده، منع اختلاط زن و مرد است. شهید مطهری رحمه الله می گوید: دستور حجاب که در این آیه آمده است غیر از دستور پوشش است که مورد بحث ماست. «این دستور راجع به سنن خانوادگی و رفتاری است که انسان باید در خانه دیگران داشته باشد. طبق این دستور، مرد نباید وارد جایگاه زنان شود... .» ایشان سپس در توضیح «ذلکم اطهر لِقلوبِکم و قلوبهنّ» می فرماید:

این آیه مانند آیه ۶۱ سوره نور دلالت می کند که هر اندازه مرد و زن جانب ستر و پوشش و ترک بر خوردهایی که مستلزم نظر است رعایت نمایند، به تقوا و پاکی نزدیک تر است و... .(۲)

امام صادق علیه السلام درباره رعایت مرز میان زن و مرد فرمود:

فِی ما أَخَذَ رَسُولُ اللّهِ مِنَ الْبَیْعَهِ عَلَی النِّساءِ أَنْ لایَحْتَبِینَ وَ لایَقْعُدْنَ مَعَ الرِّجالِ

۱- ۱. احزاب: ۵۳.

۲- ۲. نک: مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۵۴.

فِی الْخَلاءِ.(۱)

از جمله پیمان هایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با زنان بست، این بود که در خلوت با مردان معاشرت و نشست و برخاست نکنند.

غیرت مرد مسلمان، امری ستودنی است، چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن را از نشانه های ایمان شمرده و فرموده است: «غَیْرَهُ الرَّجُلِ إِیمانٌ؛ غیرت مرد و حراست او از ناموسش، جزو ایمان است».(۲)

تعادل نداشتن در غیرت، همواره تلاش ها را از نتیجه مطلوب و رسیدن به مقصود باز می دارد.

اسلام، غیرت بیجا را ممنوع کرده است؛ چنان که حضرت علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن علیه السلام می فرماید:

وَ إِیّاکَ وَ التَّغایُرَ فِی غَیْرِ مَوْضِعِ. غَیْرَهٍ فَإِنَّ ذلِکَ یَدْعُو الصَّحِیحَهَ إِلی السَّقْمِ وَ الْبَرِیئَهَ إِلَی الرَّیْبِ.(۳)

از غیرت و بدگمانی در جایی که نباید غیرت به کار برد، اجتناب کن؛ زیرا این کار، زن پاک را به ناپاکی و زن بی گناه را به اندیشه گناه فرا می خواند.

هر چند غیرتمندی بسیار پسندیده است، ولی غیرتمند باید از بدگمانی و وسوسه های نابجا بپرهیزد؛ زیرا چنین رفتارهایی، کانون گرم خانواده را سرد و بی روح و خود فرد را نیز به بیماری مبتلا می سازد.

از سوی دیگر، بی تفاوتی مردان به نوامیس نیز به شدت نکوهش شده است، چنان که پیامبر گرامی اسلام می فرماید:

قالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله .... وَ الْمَرْأَهُ إِذا خَرَجَتْ مِنْ بابِ دارِها مُتَزَیِّنَهً مُتَعَطِّرَهً

ص:۴۰

۱- ۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، ص ۱۷۴.

۲- ۲. آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۳۷۷.

۳- ۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

وَ الزَّوْجُ بِذلِکَ راضٍ یُبْنی لِزَوْجِها بِکَلِّ قَدَمٍ، بَیْتٌ فِی النّارِ.

هر زنی که خود را بیاراید و خوشبو کند و از منزل خارج شود و شوهرش به این امر راضی باشد، خداوند در قبال هر قدمی که بر می دارد، برای شوهرش خانه ای در دوزخ بنا خواهد کرد.(۱)

زن مسلمان با رفتاری مناسب و متین، زمینه گسترش عفت عمومی را فراهم می آورد؛ زیرا جامعه اسلامی جامعه ای به هم پیوسته است و فرد نباید خود را تافته ای جدابافته از دیگران تلقی کند.

انسان مؤمن، نابهنجاریهای اجتماعی را به همان سان که بر زن و ناموس خود برنمی تابد، درباره سایر زنان مسلمان نیز تحمل نمی کند (غیرت اجتماعی). مردان موظفند در برابر حرمت شکنی ها ایستادگی کنند. امام صادق علیه السلام در تعبیری ظریف به نتیجه چنین رویکردی اشاره می نمایند:

بَرُّوا آباءِکُمْ یَبَرَّکُمْ أَبْناءُکُمْ وَ عِفوُّا عَنْ نِساءِ النّاسِ تَعِفَّ نِساؤُکُمْ.

یعنی: نیکی کنید با پدرانتان تا پسرانتان به شما نیکی کنند و چشم پوشی کنید از زنان مردم تا مردم از زنانتان چشم بپوشند.(۲)

در سایه غیرت اجتماعی ضمانتهای اجرایی برای فعالیت زنان فراهم می آید و جامعه از امنیت و سلامت معنوی بهره مند می شود.

انسان غیور، در مورد تربیت فرزندان حساس است و به همین جهت از ابتدا، زنی را برمی گزیند که مؤمن و پاک دامن باشد تا وظیفه هدایت فرزندان را به بهترین شکل انجام دهد. اساسا شیر مادر و رفتار و کردار او در تکوین شخصیت فرزندان بسیار مؤثر است که در جای خود نیز، به اثبات رسیده است. انسان

۱- ۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۹.

۲- ۲. الامالی، ج ۶، ص ۲۸۸.

غیرت مدار، آمد و رفتها و دوستان و آشنایان فرزندان خود را از نظر دور نمی دارد و با حساسیتهای ویژه ای که دارد، او را در مسیر تربیت و سازندگی همراهی می کند.

ج) غیرت در مال

انسان مسلمان، بایـد مالش را از راه حلال کسب کند و در حفظ و حراست آن نیز کوشا باشد و از اسـراف و تبذیر و خسّت و بخـل بپرهیزد و حقوقی را که خداونـد بر مـال واجب گردانیـده، ادا کنـد و در یـک کلمه، بـا مـال خود آخرت خویش را آباد گرداند. ناگفته پیداست مالی که از راه حرام بدست آید وبال گردن صاحب خویش خواهد بود و زیان آن در دنیا و آخرت به او می رسد.

ص:۴۲

فصل چهارم: عوامل مؤثر در سست شدن فرهنگ حجاب و پی آمدهای آن

اشاره

حجاب، نماد عفت و عزت زنان و از شاخص های مهم فرهنگ دینی و از عناصر اصلی هویت ملی ماست. بی شک، کرامت آدمی در گرو پای بندی به عفاف است که در پرتو آن، سلامت عمومی جامعه حفظ می گردد. جامعه سالم موجب رشد و بالندگی همه انسان ها اعم از زن و مرد می شود. طبیعی است آن دسته از کسانی که خود را صاحب قدرت و فرهنگ برتر می دانند، تمام تلاش خود را به کار می گیرند تا جهان را به کیفیت مطلوب و ماندگار مورد نظر خود برسانند و از همه ابزارها استفاده می کنند تا فرهنگ بی بند و باری رواج نیابد.

از سال ۱۹۵۰م. تغییرهای دامنه داری در برنامه ریزی جهانی به ویژه در کشورهای صنعتی به وجود آمد. آنها معتقد بودند تا فرهنگ، رنگ اقتصادی نگیرد و حرکت خود را در مسیر رشد اقتصادی تنظیم نکند، نمی توانند به سود واقعی دست یابند. بدین ترتیب، نگرش آنان به فرهنگ، اقتصادی شد. در حقیقت، فرهنگ، عامل وابسته به اقتصاد گردید. این نگرش، برنامه ریزی جدیدی را ایجاب می کرد. در این دیدگاه، ساختن انسان اقتصادی مورد نظر است؛ انسانی که برای رسیدن به سود و لذت بیشتر، اصالت انسان یا اومانیسم را تحلیل می کند و در این راه، آماده دست زدن به هرگونه خشونت برای رسیدن

به لـذت و سود بیشتر است. این نوع نگرش که بـا نگرش الهی در تضـاد است، میـان زن و مرد، دشـمنی پدیـد می آورد و پایه های زن سالاری را استوار می گرداند.

در نگرش الهی که نگرش تکـاملی است، زن و مرد، درمقابـل هم قرار ندارنـد، بلکه به کمـک هم می تواننـد به تکامـل بالاتر دست پیـدا کننـد و در محیـط اجتماعی و خانوادگی، متمم و مکمل هم دیگر شونـد. جامعه الهی، جامعه ای است که نهادهای فرهنگی و ارزشـی بر آن حاکم هسـتند و تنها از دریچه ایمان می توان به این جامعه نگاه کرد. انسانی که در این بستر فرهنگی رشد می کند، انسانی مختار، مستقل، فرهنگی، ارزشی و باتقوا است.

در حقیقت، در نظـام ارزشـی، نقش اول به فرهنگ داده می شود و عناصـر فرهنگی چنان پویاست که به تکامل همه جنبه های انسانی کمک می کنـد. برای مثال، در این جامعه آنچه بتوانـد جلو رشـد فرهنگ مادی را بگیرد، ارزش تلقی می شود. حجاب نیز به عنوان قوی ترین عامـل برای کنـترل رشـد فرهنـگ مـادی، ارزش منـد است. به همین دلیـل، سـردمداران ترویـج فرهنگ مادی، بیشترین هجمه تبلیغاتی خود را علیه حجاب سامان می دهند. وقتی یک خانم با حجاب اسـلامی به کشورهای غربی قدم می گذارد، در حقیقت، بدون اینکه کلمه ای سخن بگوید، در تقابل با فرهنگ مادی قرار می گیرد. به همین جهت، شاید هیچ حکم اسلامی به غیر از جهاد، به این میزان با تهاجم فرهنگ مادی روبه رو نشده باشد.

حجـاب، پرچم اسـلام و در حقیقت، لبـاس عقـل عملی زنان مسـلمان است. دشـمن برای سـست کردن این ارزش در سه زمینه فعالیت می کند: نخست، پایه گذاری ارزش ها و باورهای هستی شناسـی بر اساس فرهنگ بیگانه؛ دوم، وارد ساختن تفکرهای ضد ارزشی در برنامه ها و سوم، القای تحلیل های فکری جدید

و ناهماهنگ با ارزش ها به والدین و جوانان. و این در حالی است که زنان غربی با تفسیری که از ارزش ها و هویت انسانی زنان دارند، هیچ طَرْفی نبسته اند و روزنی به سوی نور و روشنایی نیافته اند، اگر فرهنگ غربی حافظ و حامی زنان بود باید امروزه ارزش زنان به مراتب بسیار بهتر از وضع کنونی آنان می بود. با این حال، با آنکه حجاب و رعایت موازین عفاف هیچ گونه محدودیتی در زمینه های مختلف برای پیشرفت زنان فراهم نیاورده است، شاهد کم رنگ شدن پوشش اسلامی در دهه اخیر هستیم. عوامل متعددی در این زمینه دخیلند که از آن میان می توان از عوامل زیر یاد کرد:

۱. تبیین نشدن فرهنگ ناب اسلامی

پس از انقلاب، گرایش خوبی به دین و دیانت و انجام دستورهای دینی به وجود آمد. سیاست گذاران کشور نیز تصور می کردند این فضا ادامه خواهد یافت، غافل از اینکه نسل آینده، نه طعم خواری زن در نظام طاغوت را چشیده و نه پی آمدهای بی بند و باری را شاهد بوده است. نسل تازه در آن دوران، یا تازه متولد شده بودند یا حداکثر ۱۰ _ ۱۲ سال داشتند. بدین ترتیب، برای تبیین فرهنگ حجاب و عفاف برای این نسل، برنامه ریزی درستی صورت نگرفت. یکی دیگر از عوامل تبیین نشدن فرهنگ اسلامی، بحران سازی های متعدد دشمنان انقلاب بود که فرصت برنامه ریزی صحیح را از سیاستمداران حکومت دینی سلب کرد.

۲. تبیین نشدن فرهنگ حجاب در جامعه

استفاده نکردن از کارشناسان متعهد و متخصص، متحول نشدن کتاب های بینش دینی مدرسه ها و معارف دانشگاه ها، تدوین مطالب به صورت خشک و

نامناسب با طبع جوانان، سنگ اندازی بیگانگان با سست کردن اعتقادات دینی، تبلیغ آزادی غربی و ترویج فرهنگ تساهل و تسامح، سبب شده است فرهنگ حجاب به درستی در جامعه اسلامی تبیین نشود. در این میان، افرادی که دنبال زندگی بی دردسر هستند، بسیار زود به افکاری که دشمن در این زمینه القا می کند، گرایش پیدا می کنند.

۳. بالا رفتن سن ازدواج

گسترش فرهنگ مصرفی و بالارفتن خواسته ها و وجود مشکلات دیگر سبب شده است جوانان از ازدواج خودداری کنند. طبع زن نیز تمایل دارد که زیبایی های خود را در مقابل جنس مخالف نشان دهد و اگر راه حلی که خداوند متعال در مقابل او گذاشته است، برای او کارساز نباشد، از راه های دیگری استفاده می کند و به خودنمایی می پردازد. در حقیقت، بالا رفتن سن ازدواج در پایین آمدن سطح حجاب اثر می گذارد. اگر زنان در خانواده مورد توجه همسرانشان قرار گیرند، این حس آنان تأمین می شود. از سوی دیگر، بالا رفتن سن ازدواج، عاملی برای جلوه گری و پیدا کردن همسر از راه های غیرمعمول است.

۴. نبود ساختار صحیح برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر

در نزدیک به سه دهه اخیر به سبب اینکه روش صحیح امربه معروف و نهی از منکر بیان نشد، این حکم اسلامی در حاشیه قرار گرفت. به همین علت، افراد دچار افراط و تفریط شدند. همین امر سبب شد تا دشمن از شیوه نادرست اجرای امر به معروف و نهی از منکر، علیه نیروهای متدین بهره گیرد و آنها را خشونت طلب و زورگو معرفی کند. البته در کنار تدبیرهای درونی، وجود

شیوه هـای بیرونی تربیـت نیز ضـرورت دارد و فریضـه امر بـه معروف و نهی از منکر بیـانگر مسـئولیت عمـومی افراد در تربیت بیرونی انسان هاست. هر انسانی همچنان که مسـئول خویشـتن است، مسـئولیت دیگران را نیز برعهـده دارد. مسـلمان نمی تواند نسـبت به آنچه در محیط پیرامونش می گـذرد، بی تفاوت باشد. بنابراین باید با اصـلاح روش ها، نسـبت به کاربست کامل آن در جامعه دینی اقدام کرد.

۵. کاستی در معرفی الگوها

اسوه در لغت به معنی پیشوا، رهبر، مثال و نمونه است.(۱) در قرآن درباره زنان نمونه آمده است:

و خداوند برای مردم باایمان، همسـر فرعون را مَثَلَ می زند، آن گاه که گفت: پروردگارا! مرا نزد خود در بهشت جای ده و از فرعون و کردارش نجـاتم بخش و از مردم سـتم پیشه رهـایم سـاز! (و سـرمشق دیگر) مریـم دختر عمران (است) آنکه دامنش را پـاک نگاه داشت و ما از روح خویش در او دمیـدیم و نشانه های پروردگار و کتاب هایش را تصـدیق کرد و از پارسایان بود. (تحریم: ۱۱ _ ۱۲)

در جای دیگر می فرماید:

وقتی را یـاد آور که فرشـتگان گفتنـد: ای مریم! خداونـد، تو را برگزیـد و پـاک سـاخت و بر زنان جهان برتری بخشـید. (آل عمران: ۴۲)

وقتی نهادهـای فرهنگی جـامعه در معرفی الگـو از خود سـستی نشـان دهنـد، دشـمن به راحـتی الگوهـای خود را به جوانـان و نوجوانان معرفی می کند.

الگوهای مناسب نیز اگر معرفی شونـد، به علت ناآشـنایی و ناپختگی جوانان و براثر وسوسه های فکری و جلوه گری الگوهای کاذب، اعتبار خویش را به آسانی

ص:۴۷

۱- ۱. لسان العرب، ج ۱۴.

از دست می دهند. این خطر فرهنگی، دختران را که احساسات آنها در اوج است، بیش از پسران تهدید می کند.

یکی از امتیازهای ادیان الهی این است که نه تنها الگو معرفی کرده اند، بلکه الگوهای آن در جنسیت های مختلف است. خدای متعال، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را آفرید تا هم الگوی زنان باشد و هم مردان؛ چنان که علی بن ابی طالب هم الگوی مردان است و هم زنان؛ چون این دو جنس، مکمّل یکدیگرند. با وجود داشتن چنین الگوهایی، ما مسئولیت سنگینی بر عهده داریم. جهانیان و حتی پیروان اسلام می پرسند اینان که الگوی فاطمه زهرا علیها السلام و منابع وحی را پیش رو داشتند و زمینه نیز برایشان فراهم بود، چگونه نتوانستند جامعه زنان را به صورت علمی و خودکفا اداره کنند. چگونه حجاب اسلامی با وجود فلسفه غنی اش نه تنها گسترده تر نشده، بلکه کمتر رعایت شده است. باید دانست امروزه زنان ما دچار مسائل و مشکلات درونی هستند و تا این مشکلات از طریق مذهب پاسخ داده نشود، رفتار زنان بنیان درستی نمی یابد. تصویری که زنان در جامعه از خود دارند، تصویر درستی نیست و از آن ناراضی اند. متأسفانه زن همیشه جنسی ضعیف، عامل ارضای غرایز جنسی، موجودی انفعالی، ناکارآمد و حاشیه ای معرفی می شود. حتی زنان تحصیل کرده، با حجاب کامل نیستند و این طور القا شده است که دانشمند شدن با محجبه شدن، جمع شدنی نیست.

از جمله عوامل مهم در این راستا، معرفی گروه مرجع است. کسانی که در جامعه الگو می شوند، باید به حجاب، ارزش ها و اصول اسلام و انقلاب ایمان داشته باشند. الگو باید نسبت به دیگران، فردی برگزیده و دارای امتیاز باشد تا سزاوار امامت و رهبری خلق گردد؛ زیرا ایشان علاوه بر وظیفه آموزش و

راهنمـایی، وظیفه تربیت و راهـبری را نیز بر عهـده دارنـد؛ آن هم تربیتی همگـانی که شامـل مسـتعدترین و برجسـته ترین افراد جـامعه نیز می شود. چنین مقـامی در خور کسـانی است که خودشان به عالی ترین مـدارج کمال انسانی رسـیده و دارای کامل ترین ملکات نفسانی باشند.(۱)

در استفاده از سـرمشق، بایـد معیـار پیروی از او را به دست آورد. به بیـان دیگر، بـایست روح حـاکم بر افعـال و اقوال الگو را شنـاخت تـا بتوان از زوایـای زنـدگی او به قوانین و درس هـای کلی و عمومی دست یافت. آنان که الگوهای اسـلامی را کهنه شـدنی می پندارنـد، پیروی از اسوه هـای آن را به صورتی ایسـتا و محـدود تحلیل می کننـد. فاطمه علیها السـلام از عالی ترین الگوهای اسـلامی است که با وجود نیاز فوری زنان ما به شناخت ابعاد اندیشه و زندگی ایشان، از آن کمتر بهره برده اند. الگو بودن زهرا علیها السـلام در نوع وسایل پوشـش یا امور مادی و زوال پذیر نیست، بلکه آنچه فاطمه را فاطمه کرد، اموری اسـت زوال ناپذیر که کمتر بدان ها پرداخته می شود.

۶. کم رنگ شدن نقش خانواده ها

اگر تربیت فرزنـدان از خانه به مهد کودک و مدرسه منتقل شود، آن را می توان به هر جای دیگری نیز کشاند. تلاش دشـمن، جـدا کردن جوان از کانون خانواده است؛ زیرا بـدین وسـیله زمینه آسـیب پـذیری آنان و آمادگی شان برای اثرپذیری از القای فرهنگی دوچندان می شود. این جدایی ممکن است ظاهری یا فکری باشد. اسلام برای ارتباط عاطفی و روحی والدین با جوان اهمیت قائل

۱- ۱. محمد تقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، قم، انتشارات تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲، ج ۱ و ۲، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.

است. اگر جامعه پاک می خواهیم، باید خانواده را تطهیر کنیم.

کودک در پرتو ویژگی همانند شدن، بدون اراده از رفتار بزرگ سالان حتی جارو کردن مادر، روزنامه خواندن پدر و نزاع و مشاجره آنان تقلید می کند. کودک به مناسبت زود باوری و تقلید، فکر خانواده و پدر و مادر را می پذیرد و روح و روان او از این طریق تکامل می یابد.(۱)

این خواست درونی تنها به دوره کودکی محدود نمی گردد، ولی دوره نوجوانی و جوانی، از حساسیت ویژه ای برخوردار است؛ زیرا تا پیش از آن، هرچه را والدین مناسب می پنداشتند، او بی چون و چرا می پذیرفت. اکنون که به درستی گزینش آنان شک کرده است، درصدد برمی آید خود با حس استقلالی که یافته است، آن را انتخاب کند.

والدین علاوه بر مسئولیت عام، مسئولیت ویژه ای نیز در قبال فرزندان به عهده دارند. این مسئولیت از قبل از تولد فرزند آغاز می شود و تا دوران رشد و بلوغ ادامه می یابد. رعایت آموزه های دینی در زمینه های بهداشت جسمی و روحی فرزندان و اهتمام در تربیت آنان و فراهم آوردن محیط مناسب در درون خانواده و مراقبت از آنان در محیط بیرونی، در شکل گیری شخصیت اخلاقی و روانی فرزندان، تأثیری سازنده دارد.

۷. تلاش ناکافی در ایجاد محیط سالم اجتماعی

یکی از وظیفه های اجتماعی مدیران جامعه این است که برای ایجاد محیط تربیتی سالم، نظام کارآمدی را برنامه ریزی و اجرا کنند. ساختن محیط سالم در

۱- ۱. علی قائمی، نقش مادر در تربیت، چ ۵، انتشارات امیری، ۱۳۶۸، صص۱۰۹و ۱۱۳.

مدارس، دانشگاه ها، رسانه های جمعی، محیط های فرهنگی و هنری و اجرای شیوه های صحیح و مؤثر از اقدامات ضروری در ارتقای اخلاق اجتماعی است. ساختن جامعه سالم از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اداری و ارزش های حاکم، شرط ضروری در تربیت عمومی است. در جامعه ای که از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ناسالم باشد، جرایم و مفاسد اخلاقی فزونی خواهد یافت. اگر کسب مال از طریق مشروع، مشکل یا ناممکن باشد، به طور طبیعی، افراد بسیاری به راه های نامشروع روی می آورند. در چنین فضایی، نصیحت، تذکر و امر به معروف چندان تأثیری نخواهد داشت. مهم ترین وظیفه مدیران در چنین شرایطی، تلاش برای رفع مشکلات و بهبود وضع اجتماعی، تصحیح مدیریت ها، اصلاح اداری و تقویت بنیه اقتصادی است.

۸. ناآشنایی با فلسفه حجاب

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بحث علمی مناسبی در زمینه فرهنگ حجاب و عفاف صورت نگرفته است و نسل جوان با فلسفه و ضرورت حجاب، آشنایی لازم را ندارد. نشست های علمی علاوه بر تبیین فلسفه و ضرورت حجاب و مبانی فقهی آن می تواند آثار اجتماعی، روحی و روانی حجاب و رسالت انقلاب اسلامی را درباره زنان روشن کند.

گفتنی است در شیوه تبلیغی باید زبان عام تری را برگزینیم تا بهتر به افراد منتقل شود. شیوه ها باید به دور از افراط و تفریط و متناسب با سن مخاطب و تحصیلات و موقعیت فرد باشد که در این راه، کمک گرفتن از فنون روان شناسانه بسیار مهم است. برای رسیدن به وضعیت درست، باید خود انتقاد باشیم. در روان شناسی می گویند فرد باید قانع شود تا پای بند شود. ما تا به حال

بیشتر از شیوه های قانونی استفاده کرده ایم، ولی در کنار استفاده درست از قانون باید انگیزه درونی نیز در افراد به وجود بیاوریم.

مهم ترین آسیب ها و پی آمدهای بی حجابی

۱. عقده مند کردن مردان

جلوه گری زنان، آثار منفی روانی برای مردان و جوانان در پی دارد. اگر میل آدمی به چیزی جلب شود و به آن دست نیابد، تعادل روحی و روانی او به هم می ریزد؛ درونش ناآرام می گردد و در صورت تکرار، به عقده روانی تبدیل می شود.

۲. سقوط شخصیت زنان

حجاب، قانون فطرت است و سرپیچی از این قانون فطری، سقوط ارزشی بانوان را به همراه دارد. هر قدر زنان به خودآرایی بپردازند، از تقویت و تکمیل روح الهی خود باز می مانند. بی حجابی، کلید تخریب ارزش های زنانه است.

۳. تزلزل خانواده ها

کشاندن مسائل جنسی از محیط خانواده به جامعه افزون بر متزلزل کردن عفت زنان، زمینه از هم پاشیدن بنیان خانواده ها را نیز فراهم می آورد. اساسا پوشش زنان سبب می شود تمتعات جنسی منحصر در خانواده باشد؛ همچنین به حفظ و حراست از کیان اجتماعی و استفاده بهینه از نیروهای فعال آن کمک می کند. در مقابل، حضور زنان بی حجاب و بدحجاب دل مردان راست کرده و ایمانشان را می رباید و چه بسا باعث رکود در فعالیت های اجتماعی می شود.

۴. بلوغ زودرس جنسی

بی تردید، بر اثر جلوه گری زنان، نوجوانان، زودتر از زمان طبیعی به بلوغ خواهند رسید و این بلوغ زودرس زمینه ساز اختلال روانی و جسمی در آنها

ص:۵۲

می شود.

۵. بدآموزی

اصولاً ـ فرزنـدان، رفتـار خود را از بزرگ ترهـا می آموزنـد. اگر زنـان و دختران بـالغ جامعه، از شـرم و حیا به دور باشـند و در پوشش مناسب موی سر، بدن و زینت هایشان دقت نکنند، الگوی نامناسبی برای فرزندان جامعه خواهند بود.

ص:۵۳

فصل پنجم: بایسته ها و راه کارهای ترویج فرهنگ حجاب

اشاره

در راستای نهادینه سازی فرهنگ حجاب و عفاف، توجه به محورهای زیر قابل تأمل است:

۱. آموزش حجاب در مدارس

مدارس، مراکز تعلیم و تربیت و تزکیه اند. آموزش عملی احکام دینی، بخشی از وظایف معلم و دانش آموز را تشکیل می دهد. توصیه بدون تعلیم و تربیت، پوشش دینی را به دستور خشک و تحمیلی مبدل می سازد، ولی توصیه همراه با معرفت، پذیرش آن را آسان می کند. معرفت به حجاب، ضامن اجرا و دوام آن است. آن گاه که پوشش دینی در محیط های اجتماعی و پس از پایان تحصیلات، به شکل فرهنگ پذیرفته شده درآید، رسمیت عملی پیدا می کند.

۲. تشویق

این اصل در تربیت آدمی، کاربرد فراوان دارد. ماهیت تشویق ها متفاوت است و می تواند بار عاطفی، مالی، تشریفاتی، شغلی، سیاسی، علمی و امثال آن داشته باشد که در ترویج فرهنگ حجاب مورد استفاده قرار خواهد گرفت. اگر فردی نیازمند نوعی تشویق نباشد، باید از نوع دیگر بهره بگیریم. احترام لازم و محسوس مردم به بانوان با حیا و باحجاب جامعه سبب ترویج فرهنگ حجاب خواهد شد. همان طور که برخورد منفی با زنان بی حجاب نیز می تواند عاملی

بازدارنده به حساب آید با این شرط که حد و اندازه آن را باید رعایت کرد تا به لجاجت نیانجامد.

۳. فعالیت های علمی، فرهنگی و هنری

انتشار نشریه و کتاب، تشکیل میزگردهای ادبی، فراخوانی مقاله، تعیین موضوع حجاب برای انشا و پرسش مهر، به کارگیری هنرهای تصویری، مسابقات فرهنگی و مانند آن آثار مثبتی دارند. تولید برنامه ها و فیلم های مفید و آموزشی نیز در رادیو و تلویزیون اثری فراگیر دارد. رعایت کامل پوشش دینی بانوانی که در فیلم های سینمایی و تلویزیونی بازی می کنند یا عکسی که با پوشش اسلامی در صفحات مطبوعات به چاپ می رسد، آثار مثبتی دارد، چنان که پوشش های غیر شرعی نیز آثار زیان بار و گسترده ای بر فرهنگ جامعه می گذارد. اساسا حضور زنان پوشیده در صحنه های مختلف جامعه، آثار مثبت و چشم گیری در همگانی کردن فرهنگ حجاب اسلامی در جامعه دارد. پخش آیات، روایات و کلمات حکمت آمیز و تصاویر الهام بخش درباره حجاب در محیط های عمومی، تابلوهای شهری و محیط های مناسب دیگر نیز به تقویت این فرهنگ خواهد انجامید.

۴. تقویت فرهنگ غیرت

بی تردید، زنان با هر تفکر و عقیده ای، به نظر و سلیقه همسران خود در انتخاب های خویش از جمله لباس و وضع ظاهری توجه می کنند. ازاین رو، غیرت مندی مردان در نوع پوشش آن نقش بسزایی دارد. با توجه به این واقعیت، ترویج فرهنگ غیرت در میان مردان به ترویج و تحقق پوشش دینی در جامعه کمک می کند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَکُمْ وَ

أَهْلِيكَمْ نارا وَقُودُها النّاسُ وَ الْحِجارَةُ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی که هیزمش از مردم و سنگ خاراست، حفظ کنید.» (تحریم: ۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «خداوند، بینی هریک از مؤمنانی را که غیرت نمی ورزند، به خاک می مالد.»(۱) ایشان در سخنی دیگر، غیرت را از ایمان می داند.(۲)

۵. نظارت بر رسانه های جمعی

رسانه ها به ویژه صدا و سیما در ساختار فرهنگ اجتماعی مردم نقش مهمی دارند و می توانند با نوع برنامه های خود، آنان را به فساد یا صلاح بکشانند. کمترین تسامح در اعطای امتیاز کار فرهنگی جهت راه اندازی مؤسسه های هنری، نمایش تئاتر و فیلم و انتشار روزنامه، مجله و کتاب، به نفوذ فرهنگ بیگانه و ابتذال اخلاقی می انجامد. شرط پوشش دینی در تهیه و خرید فیلم ها و برنامه های تلویزیونی، ضرورتی انکارناپذیر است. حتی نمایش دختر بچه ها با وضع نامتناسب از سیمای جمهوری اسلامی، بدآموزی فرهنگی دارد.

برخی والدین فکر می کنند دیدن صحنه های آن چنانی در فرزندانشان تأثیری ندارد یا چون آن را درک نمی کنند، مسئله را جدی نمی گیرند. این توهمی بیش نیست. آنها این مسئله را خوب درک می کنند و از آن تأثیر می پذیرند. این صحنه ها بر روحشان تأثیر منفی می گذارد و در بزرگ سالی ظهور می یابد.

۶. فعالیت قوای سه گانه

تصویب قوانین جامع و دقیق در این زمینه در مجلس شورای اسلامی و عمل کردن بدون تساهل و تسامح قوه قضاییه به قوانین یاد شده سبب می شود فرهنگ

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۹.

۲- ۲. همان.

حجاب ترویج یابد. قوه قضاییه سهمی مهم در حفظ سلامت جامعه دارد و اوضاع اخلاقی جامعه، کارنامه گویای این دستگاه است. نظارت جدی و دل سوزانه مسئولان دولتی بر محیط های تحت نظارت آنها نیز از جمله عوامل ترویج حجاب و پیش گیری از بدحجابی در ادارات دولتی است.

۷. احیای امر به معروف و نهی از منکر

پس از تقویت ریشه های حجاب، شناخت معروف و اجرای امر به معروف و نهی از منکر تأثیر بسزایی در کنترل اجتماعی دارد. امر و نهی دینی، تکلیف عمومی است. زن، ناموس جامعه اسلامی است و همه باید در حفظ این گوهر الهی بکوشند. جامعه دینی، هیچ گونه تساهل و تسامحی را در این راستا برنمی تابد. بی اعتنایی در این راه پسندیده نیست، ولی وسواس و بدگمانی هم کارساز نخواهد بود. مبنای طهارت و تقوا، تربیت و ایمان است. اگر فقط ترس پشتوانه پرهیز باشد، در جایی که چنین ترسی نیست، شخص از ارتکاب محرمات پروا نخواهد داشت. پی آمد چنین فضایی، ایجاد نفاق و دورنگی و دوگانگی در معاشرت و پوشش و رفتار خواهد بود.

۸. معرفی پوشش های متناسب

یکی دیگر از عوامل فهم، تعریف درست از پوشش متناسب با سن و شرایط کاری بانوان است. الگویی که با رعایت معیارهای شرعی، آزادی عمل بیشتری را برای زنان مسلمان فراهم آورد. افزون بر این، با معرفی الگوی پوشش و تنوع دادن در آن، می توان تا حدود زیادی به نیازهای بانوان پاسخ داد.

۹. تقویت باورهای دینی با احیای فرهنگ ناب اسلامی

اگر زنی دارای باوری قوی باشد شالوده شخصیتی او نیز بر اساس همین باور

شکل می گیرد؛ چنان که حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «أَلْمَرْءُ بِإِیمانِهِ.» یعنی: شخصیت انسان در گرو باورهای اوست.(۱)

آن حضرت در جای دیگر می فرمایند: «وَ الْمُؤْمِنُ بِعَمَلِهِ.» یعنی: و ایمان انسان در عمل او جلوه گر است.(۲)

بنابراین، باید با تقویت پایه های دینی و باورهای اعتقادی، وسیله اعمال صالح را در زنان فراهم آوریم و این مسئولیت بیش از همه بر عهده متولیان مذهبی و فرهنگی جامعه است.

۱۰. باطن گرایی و سیرت گرایی به جای صورت گرایی

فراخوانی زن مسلمان به ارزشهای اصیل دینی و فراهم نمودن تمهیدات لازم برای تقویت عملی و پرورش روح ایمان و تعهد وی، نقش مهمی در این زمینه دارد. آنچه در اسلام ارزش دارد شخصیت وجودی و عظمت روح بلند انسان است و تن و نمای فیزیکی انسان منزلت والایی ندارد. حضرت مسیح علیه السلام می فرماید:

یعنی: بحق برای شما می گویم: تن چه سودی دارد در صورتی که ظاهرش درست باشد و درونش تباه. بدنهای شما چه سودتان دهد که خوشتان دارد و دلهایتان تباه باشد و سودی نبرید که پوست خود را پاک نگاه دارید و دلهای شما چرکین باشد.(۳)

متأسفانه برخی از زنان در شرایط کنونی، حتی پوشش را نیز برای خودنمایی برمی گزینند. سخن تأمل برانگیز حضرت علی علیه السلام در این مورد، کاملاً گویاست:

۱- ۱. آمدی، پیشین، ج ۱، ص ۶۲.

۲- ۲. همان، ص ۶۱.

۳- ۳. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۵۴۸.

تَظْهَرُ فِی اخِرِ الزَّمـانِ وَ هُوَ شَـرُّ الْـأَزْمِنْهِ نَسْوَهٌ کاسِـیاتٌ عارِیـاتٌ مُتَبَرِّجـاتٌ مِنَ الـدِّینِ خارِجـاتٌ وَ فِی الْفِتَنِ داخِلاتٌ وَ لِلشَّهَواتِ مائِلاتٌ وَ إِلَی اللَّذّاتِ مُسْرِعاتٌ مُسْتَحِلّاتٌ لِلْمُحَرَّماتِ وَ فِی جَهَنَّمَ خالِداتٌ.

یعنی: در آخرالزمان که بـدترین زمانهاست، ظاهر می شوند زنان پوشـیده ای که برهنه اند (لباس دارند اما تنگ، کوتاه، نازک و بـدن نما می باشد) و از خانه با خودآرایی بیرون می آیند، اینان از دین خارجند و در فتنه ها داخل و به سوی شـهوات تمایل دارند و به سوی لذات نفسانی در شتابند و حرامها را حلال می دانند و در دوزخ به عذاب ابدی گرفتار می آیند.(۱)

۱۱. معرفی و شناساندن الگوهای زن مسلمان

انسان فطرتا الگوگزین و اسوه پـذیر است و دوست دارد ارزشـهای باورمنـد خود را در چهره های مجسم دیـده و همانندسازی کنـد. با وجود این امروزه زن مسـلمان، آنچنان که بایـد با شخصـیت های بزرگ تاریـخ اسـلام آشـنا نشـده تا دریابـد که آنان چگونه با حضور توأم با وقار و متانت در جامعه اسلامی، شرافت و منزلت انسانی خویش را حفظ نمودند.

زن مسـلمان با شـناخت شـیوه رفتاری زهرای مرضـیه علیها السـلام و زینب کبری و الگوبرداری از آن، بازیچه هوسها قرار نمی گیرد و عامل فسادگستری نمی شود و به حیات طیبه و پاکیزه می رسد:

مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیَنَّهُ حَیاهً طَیِّبَهً وَ لَنَجْزِیَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما کانُوا یَعْمَلُونَ.(۲)

یعنی: هر کس از مرد و زن که ایمان داشـته باشد و عمل صالح انجام دهد، به او حیات پاکیزه می بخشـیم و پاداش آنها را بهتر از اعمالی که انجام داده اند،

۱- ۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، ص ۱۹.

۲- ۲. سوره نحل: ۹۷.

خواهیم داد.

خداونـد در این آیه، پاداش و ثواب را در برابر عمل صالـح دانسـته است؛ یعنی ملاک برتری، زن یا مرد بودن نیست، بلکه هر انسان مؤمنی که عمل صالحی انجام دهد، به او پاداش داده می شود و فرقی هم بین زن و مرد نیست. البته کسانی که دسـتورها و قوانین الهی را سرلوحه زندگی خود قرار می دهند در قرآن و احادیث از آنان، به نیکی یاد شده است.(۱)

در این میان، پیروی از اسوه ها تأثیر بسـزایی در رشد و تکامل آدمی دارد و چه اسوه ای بهتر از کسـی که پیامبر گرامی اسـلام دربـاره او می فرمایـد: «اِنَّ اللّهَ تَعـالی لَیَغْضَبُ لِغَضَبِ فاطِمَهَ وَ یَرْضـی لِرَضاها.»(۲) یعنی: خداونـد با غضب فاطمه علیها السـلام غضبناک می شود و با رضایت او راضی می شود.

حضـرت امـام خمینی رحمه الله در خصـوص جـامعیت حضـرت زهرا علیهـا السـلام و الگو قرار دادن این بـانوی فرشـته خو می فرماید:

تمـام ابعـادی که برای زن متصوّر است و برای یـک انسـان متصور است، در فاطمه زهرا علیها السـلام جلوه کرده و بوده است. یـک زن معمولی نبوده است؛ یـک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام مشـخّصه انسانیّت، تمام حقیقت زن، تمـام حقیقت انسـان، این زن معمولی نیست؛ این موجود ملکوتی است که در عـالم، به صورت انسان ظاهر شـده است بلکه موجود الهی جبروتی، در صورت یـک زن ظـاهر شـده است. زنی که تمام خاصّه های انبیا در او است. زنی که اگر مرد بود، نبی بود. زنی که اگر مرد بود، به جای رسول الله بود.(۳)

۱- ۱. ر.ک: احزاب: ۳۵؛ حجرات: ۱۳؛ روم: ۲۱؛ قصص: ۷؛ آل عمران: ۴۵؛ تحریم: ۱۱.

۲- ۲. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۹۴.

۳- ۳. زن از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، ص ۸۸.

جلوه های ملکوتی، جلوه های الهی، جلوه های جبروتی، جلوه های مُلکی و ناسوتی هم در این موجود مجتمع است.(۱)

استاد شهید مرتضی مطهری نیز در تبیین عظمت و جامعیت حضرت زهرا علیها السلام می نویسد:

در تاریخ اسلام، زنان قدیسه و عالی قدر فراوانند. کمتر مردی است به پایه خدیجه برسد و هیچ مردی جز پیغمبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام به پایه حضرت زهرا علیها السلام نمی رسد. حضرت زهرا علیها السلام بر فرزندان خود که امامند و بر پیغمبران غیر از خاتم الانبیاء برتری دارد.(۲)

در مقایسه ای کوتاه بین اسلام و سایر مذاهب و مکاتب درمی یابیم که زن در اسلام، ارزش و منزلت والایی دارد. حضرت امام رحمه الله در این باره می فرماید:

آن قدر که اسلام به زن خدمت کرده است، خدا می داند که به مرد خدمت نکرده است.(۳)

اگر خداوند این اندازه برای زنان ارزش قائل است برای آن است که صلاح و فساد کشور بستگی به صلاح و فساد خانواده دارد. اگر کانون خانواده، یک محیط آرام و دور از اضطراب و دلهره باشد، زمینه برای رشد و تربیت آینده سازان فراهم می آید و مسائلی چون طلاق، جار و جنجال، اضطراب و بیماری های عصبی و روانی کاهش می یابد. البته زنان به دو دسته صالح و ناصالح تقسیم می شوند که بین این دو دسته از جهت ارزش و منزلت، فاصله بسیار است؛ چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «لَیْسَ لِلْمَرْأَهِ خَطَرٌ لالِصالِحَتِهِنَّ وَ لالِطالِحَتِهِنَّ فَأَمّا صالِحَتُهُنَّ فَلَیْسَ خَطَرُها الذَّهَبُ وَ الفِضَّهَ هِیَ خَیْرٌ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّهِ وَ أَمّا طالِحَتُهُنَّ فَلَیْسَ

۱- ۱. همان، ص ۹۱.

۲- ۲. مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۵۰.

۳- ۳. زن از دیدگاه امام خمینی رحمه الله، ص ۵.

خَطَرُها التُّرابَ التُّرابُ خَيْرٌ مِنْها».(۱)

یعنی: برای زن، ارزش و هماوردی نیست؛ نه برای صالـح آنها و نه برای ناصالح آنان. زن خوب ارزشـش، با طلا و نقره برابری نمی کند بلکه بهتر از طلا و نقره است اما زن بد، خاک نیز قیمت و بهای او نیست بلکه خاک بهتر از اوست.

۱۲. توجه دادن به مسئولیت انسان در برابر اعمال خویش

توجیهـات غیروجیهی که از برخی بـانوان غیرمتـدین شـنیده می شـود (ماننـد: دلم می خواهـد؛ آزادم؛ ربطی به دیگران نـدارد) مردود است؛ زیرا در هیچ جای دنیا انجام هر کاری بر اساس خواهشـهای نفسانی پذیرفته نیست. از آن گذشته، اگر جوان هرزه و لاابالی در برابر زنان همین حرف را بزنـد، در سایه آزادی این افراد، چه وضـعیتی برای اینگونه از بانوان پیش خواهـد آمـد؟! تـوجیه «ربطی به دیگران نـدارد.» هم بـا فلسـفه وجوب امر به معروف و نهی از منکر نمی سـازد؛ زیرا اگر یـک یـا چنـد عنصـر مخرب به پیکره نظام اسـلامی آسـیب وارد کنند، وظیفه همگان است تا از سـرایت آن آسـیب، به جامعه پیشگیری کنند و او را ارشاد و راهنمایی و در صورت عدم پذیرش تنبیه نمایند.

توجیهات دیگری چون «این آقا مثل برادرم است.» یا «انسان بایـد دلش پاک باشد.» نیز پذیرفتنی نیست؛زیرا در عین این که در یک جامعه اسـلامی افراد خواهران و برادران دینی هستند اما باید مسائل مربوط به محرم و نامحرم رعایت شود. رعایت نکردن این امور، آسیب های جدی به همراه خواهد داشت.

همچنین این توجیه که «این لباسها را به بازار نیاورند تا ما هم نخریم.» نیز

۱- ۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۲۰، ص ۳۳.

نادرست است؛ زیرا صرف وجود این اجناس در بازار، از انسان سلب اختیار نمی کند؛ به علاوه، بسیاری از اشیای نامناسب دیگر هم در بازار موجود است که انسان نباید آنها را خریداری نماید.

تفکر «در جوانی مدپرستی و در پیری خداپرستی» هم بطلانش روشن است؛ زیرا خویشتن داری انسان از گناهان، در جوانی اجر و پاداش بیشتری دارد. از آن گذشته، چه تضمینی وجود دارد که فرصت توبه به انسان دست دهد. این توجیهات یاد شده از منظر عقل و شرع پذیرفته نیست.

خداوند در کتاب هدایت می فرماید:

وَ لا یُؤْذَنُ لَهُمْ فَیَعْتَذِرُونَ.(۱)

یعنی: در روز قیامت به آنها اجازه داده نمی شود تا عذر و بهانه بیاورند.

در آن روز بر دهانها مهر زده می شود، اعضا و جوارح سخن می گویند(۲) و تمام اعمال آدمی ثبت و ضبط می شود. خداوند می فرماید:

إِنّا کُنّا نَسْتَنْسِخُ ما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.(۳)

یعنی: بدرستی که ما تمام رفتار و کردار شما را نسخه برداری می کردیم.

وقتی انسان، اعمال و رفتار خود را مانند فیلم حاضر ببیند، نمی تواند آن را انکار کند و شرمنده کردار و گفتار خویش خواهد بود. خداوند درباره مشاهده اعمال انسان در روز جزا می فرماید:

یَوْمَ تَجِدُ کُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مُحْضَراً وَ ما عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَیْنَها وَ بَیْنَهُ أَمَداً بَعِیداً.(۴)

۱- ۱. مرسلات: ۳۶.

۲- ۲. یس: ۶۵.

۳- ۳. جاثیه: ۲۹.

۴- ۴. آل عمران: ۳۰.

یعنی: در روز قیامت هر کس آنچه از کار نیک انجام داده حاضـر می بیند و فرد گنهکار دوست دارد میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد.

گنهکاران با دیدن کارنامه اعمال خود مات و متحیر می مانند و می گویند:

یا وَیْلَتَنا ما لِهذَا الْکِتابِ لا یُغادِرُ صَغِیرَهً وَ لا کَبِیرَهً إِلاّ أَحْصاها وَ وَجَدُوا ما عَمِلُوا حاضِراً وَ لا یَظْلِمُ رَبُّکَ أَحَداً.(۱)

یعنی: «ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی نیست، مگر این که آن را شماره کرده است.» و همه اعمال خود را حاضر می بینند و پروردگارت به احدی ظلم نمی کند.

۱۳. بازنمایی مصونیت ها و فواید حجاب

بـا بررسـی آثـار تمـدنهای مختلف در می یـابیم که حجاب از آداب و رسوم دیرینه تمـدنهای بشـری بوده است. نقوشـی که از نیاکان به جا مانده، از احترام به حجاب در بیشتر قومها و ملّت ها حکایت می کند:

در نقشهایی که از ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زنی دیده نمی شود و ناامنی از ایشان نیز به نظر نمی رسد.(۲)

قرآن، به زنان مؤمن می آموزد که با پیروی از حکم پیامبر صلی الله علیه و آله پوشش های بلند (مانند چادر) بر خویش افکنند تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند: «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ قُلْ لِأَزْواجِکَ وَ بَناتِکَ وَ نِساءِ الْمُؤْمِنِینَ یُدْنِینَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلاَبِیبِهِنَّ»(۳)

از مجموع آیات و روایات اسلامی برمی آید که زن باید خود را از نامحرم

۱- ۱. کهف: ۴۹.

۲- ۲. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲.

۳- ۳. احزاب: ۵۹.

پوشیده دارد و از هرگونه رفتار و سخن و لباسی که نظر نامحرم را جلب کند، بپرهیزد تا کسانی که در قلبشان طمع وجود دارد، به او تمایل پیدا نکنند. امام باقر علیه السلام در هشداری می فرماید: سخن گفتن با زن نامحرم، از دام های شیطان است.(۱)

حجاب، سدّی در برابر امیال هوس بازان است و باعث روآوری جوانان به ازدواج می شود؛ چنان که بی حجابی و بی عفتی می تواند سبب گریز جوانان از ازدواج گردد.

حجاب موجب خشنودی خداوند است؛ زیرا زن، با حجاب، جلال خود را حفظ می کند و به راستی جمال و جلال زن در حجاب اوست. حجاب وسیله ای برای گسستن بندهای اسارت نفس و رهایی از آن است؛ حجاب نشانگر حیا و پاکی روح و روان زنان است و استقلال فرهنگی و دینی یک جامعه را به نمایش می گذارد و ایمان و اعتقاد زن را به خداوند نشان می دهد.

زن با حجاب، در تیررس هواهای نفسانی ناپاکان نیست؛ در نتیجه محبوب است و محبوب می ماند. زنان با حجاب چون مرواریدی در صدف عفافند که با ارزشند و گران بها. کوتاه سخن این که زنان با حجاب تنها بنده خداوند و سبب عزّت و سرافرازی خود و خانواده شان می باشند.

با این وصف، در عصری قرار گرفته ایم که در کلام غربیان، عصر برهنگی و آزادی جنسی نام گرفته است. غربیان و غرب باوران، بی حجابی را جزئی از حقوق آزادی زنان، به حساب می آورند. به همین جهت، سخن از حجاب برای آنان ناخوشایند و گاه به مثابه افسانه ای متعلق به زمانهای گذشته است.

۱- ۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۱۳۳.

به راستی کـدامین راه برای زنان عزّت آفرین و شخصـیت آور است: آیا اگر زنان مانند عروسـکی بزک شده به جامعه بیایند و مردان هرزه به آنان چشم بدوزنـد و حرمت آنان را پایین آورنـد و زنان درگیر مسابقه خودنمایی شونـد، شخصـیت آنان حفظ می شود یا این که حرمت و احترام خود را در محیط خانواده حفظ کنند؟

فصل ششم: سخنی با زنان و دختران مسلمان

اشاره

زنان بایـد با رعایت نکات و آموزه های دینی و با حساسیت خاصـی در مسـیر قرب و تکامل حرکت کننـد و از خویشـتن بانی غافل نماننـد. زنان غیرتمنـد و مؤمن در هر حال، مراقب اعمال و رفتار و گفتار و کردار خویش خواهند بود و همواره نکاتی را در نظر دارند.

۱. نحوه سخن گفتن

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

... فَلا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفاً...(۱)

یعنی: به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند بلکه سخن شایسته بگویید... .

افزون بر نازک نکردن صـدا، زنان باید محتوای کلامشان نیز نیکو باشد و از وارد شدن در هر محاوره ای جدا پرهیز کنند. اگر زنان به این آموزه قرآنی، پایبندی نشان دهند، از حوادث و زیان های مخاطره انگیز به دور خواهند ماند.

در تفسیر نمونه درباره این آیه آمده است:

بلکه به هنگام سـخن گفتن، جدی و خشک و به طور معمولی سـخن بگویید؛ نه همچون زنان کم شخصـیت که سعی دارند با تغییرات تحریک کننده که گاه توأم با ادا و اطوار مخصوصی است و افراد شهوتران را به فکر گناه

۱- ۱. احزاب / ۳۳_۳۲.

می افکند.(۱)

قرآن مجید، به نحوه سخن گفتن زنان توجه خاصی نموده و به دنبال نهی از خضوع و نرمش کلام، به سخن شایسته دعوتشان می کند (وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفا).

۲. لباس زن در خارج از منزل

امام صادق علیه السلام می فرماید:

لا! یَنْبَغِی لِلْمَرْأَهِ أَنْ تُجَمِّرَ ثَوْبَها إِذا خَرَجَتْ [مِنْ بَیْتِها].(۲)

یعنی: سزاوار نیست که زن با لباس خوشبو [از خانه]خارج شود.

اسلام، به جمال زنان توجه کرده و زینت و آرایش او را برای همسر بسیار با ارزش شمرده است، اما علاوه بر آن زیبایی را در حفظ عفت و پاکدامنی می داند و آن را برای زنان شایسته می شمرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی، عفت و پاکدامنی را زینت زنان دانسته و می فرماید:

أَلْعَفافُ زِینَهُ النِّساءِ.(۳)

همچنین در روایتی دیگر می فرماید:

ما زانَ اللّهِ عُبْدا بِزِینَهٍ أَفْضَلَ مِنْ عَفافٍ فِی دِینِهِ وَ فَرْجِهِ.(۴)

یعنی: بهترین چیزی که خداوند بنده اش را به آن زینت کرده، پاکدامنی در دین و دامن است.

بنابراین، زینت و ارزش یک زن و دختر مسلمان، به تقوا و دیانت اوست و پاکدامنی و متانت او هم از دیانت سرچشمه می گیرد. در روایات اسلامی برای بسیاری از نعمتهای الهی، زکات قرار داده شده است؛ برای مثال، زکات علم،

۱- ۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۸۹.

۲- ۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۹.

۳- ۳. نهج الفصاحه، ح ۲۰۰۸.

۴- ۴. همان، ح ۲۶۰۰.

انتشار آن؛ زکات شجاعت، جهاد؛ زکات بدن سالم، روزه گرفتن و زکات زیبایی، نیز پاکدامنی دانسته شده است. روایتی از حضرت امیر علیه السلام گویای این امر است:

زَکاهُ الْجَمالِ الْعِفافُ.(۱)

پیشوایان معصوم علیهم السلام پوشش و عفاف و پاکدامنی را همواره مورد عنایت قرار می دادند و زنان مسلمان را به چنین خواسته ای رهنمون می شدند و با قول و فعل و تقریر، رضایت خود را از پوشش متناسب زنان اعلام می داشتند؛ چنان که در روایتی حضرت علی علیه السلام می فرماید:

در روزی تار و بارانی به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله در بقیع نشسته بودم که زن سوار بر مرکبی عبور کرد. دست حیوان داخل گودالی افتاد؛ در نتیجه، زن به زمین خورد. پیامبر صلی الله علیه و آله چهره مبارکشان را برگرداندند. عرض کردند: ای رسول خدا! آن زن، شلوار پوشیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه بار فرمودند: خدایا! زنانی را که از شلوار استفاده می کنند، مورد مغفرت قرار بده! ای مردم! از شلوار استفاده کنید؛ چرا که شلوار پوشاننده ترین لباسهای شما می باشد و با آن، زنانتان را هنگامی که از خانه خارج می شوند، حفظ کنید.(۲)

شبیه این توصیه را حضرت علی علیه السلام نیز دارند:

عَلَیْکُمْ بِالصَّفِیقِ مِنَ الثِّیابِ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِینُهُ.

یعنی: بر شما لازم است لباس ضخیم بپوشید؛ زیرا هر کس لباسش نازک است، دینش نیز همچون لباسش نازک و ضعیف است.

۱- ۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۲۶.

۲- ۲. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۰۸؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۳۸۹ و ج ۵، ص ۲۹.

۳. کفش زنان مسلمان

در صدر اسلام، زنان عرب به پای خود خلخال می بستند که در موقع راه رفتن سر و صدای زیادی از آن برمی خاست و نظر مردان نامحرم را جلب می کرد. به همین جهت، خداوند بانوان را از این کار، که باعث تحریک بیگانه می شد، برحذر داشته و در کریمه قرآنی فرموده اند:

وَ لا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ ما يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ(۱)

یعنی: هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان معلوم شود و صدای خلخالی که برپا دارند، به گوش رسد.

در ادامه آن، آمده است:

وَ تُوبُوا إِلَى اللّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

یعنی: همه به سوی خدا بازگشت کنید! باشد که رستگار گردید.

فاضل مقداد، در کنز العرفان می گوید:

برخی از زنان عرب، خلخال به پا می کردند و برای این که بفهمانند خلخال به پا دارند، پای خود را محکم بر زمین می کوفتند و آیه، آنان را از این عمل، نهی می کند.(۲)

بدین سان آیه از هر گونه راه رفتن که زمینه توجه مردان را ایجاد کند، نهی می کند لام تعلیل (لِيُعلم)، دلالت دارد که علت کوبیدن پا به زمین، اعلام زینت می باشد؛ خواه قصد اعلام زینت وجود داشته باشد یا نداشته باشد.(۳)

مفسران با توجه به شأن نزول، سیاق و محتوا و آهنگ آیه، قاعده کلی و ضابطه عامی داده اند که نهی از کوبیدن پا بر زمین، بیانگر نهی از هر چیزی است

۱- ۱. نور: ۳۱.

۲- ۲. فاضل مقداد، کنزالعرفان، ج ۲، ص ۲۲۴.

۳- ۳. ر.ک.: وهبه زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۱۸، ص ۲۲۱.

که توجه نامحرم را جلب کند و نگاه ها را برانگیزد و زمینه فساد ایجاد کند.

توجه به این آیه، سختگیری اسلام را در مورد حفظ عفت عمومی نشان می دهد. امروزه هم زنان بر اساس این آموزه قرآنی، باید از پوشیدن کفش های پاشنه بلند صدادار که توجه دیگران را به آنان جلب می کند، بپرهیزند. افزون بر این که پوشیدن چنین کفشهایی علاوه بر ایجاد صدا که توجّه نامحرمان را به سوی آنان جلب می کند، در نوع راه رفتن زنان نیز تغییراتی ایجاد می کند و سنگینی در راه رفتن را از آنان می گیرد و ناخواسته حرکات بدنی نامناسبی را موجب می شود.

۴. پاسداری از دیدگان خود و نگاه دیگران

خداوند در قرآن می فرماید:

وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ.(۱)

یعنی: ای رسول! به زنان با ایمان بگو چشم های خود را فرو گیرند و از نگاه کردن به مردان نامحرم خودداری کنند و دامان خود را حفظ نمایند.

اساسا بسیاری از گناهان در نتیجه نگاه است و نگاه، تیری از تیرهای شیطان و وسیله ای برای انحراف و گمراهی است. وظیفه هر زن مسلمان این است که از حرکات تحریک زا بپرهیزد و تا آنجا که می تواند از مواجهه و رویارویی غیرضروری با نامحرمان دوری کند. زنان و مردانی که در نهادها و ادارات و کارخانه ها و مؤسسات خصوصی و دولتی به کار مشغولند باید دقت بیشتری به این امور داشته باشند.

از این آیه استفاده می شود که چشم چرانی بر زنان نیز حرام است. حضرت

۱- ۱. نور: ۳۱.

علی علیه السلام می فرمایند:

بهترین ویژگی زنان، بـدترین خصـلتهای مردان استماننـد کبر، ترس و بخل؛ زیرا اگر زن در برابر بیگانگان متکبر باشـد، رام نخواهد شد و چنانچه بخیل باشد مال خود و شوهر را حفظ می کند و با صفت ترس، از هر چیزی واهمه دارد.(۱)

۱- ۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۲۳۴.

فرجام سخن

مردان با غیرت و زنان با آزرم و حیا باید از عفت عمومی پاسداری کنند. در حقیقت، عفت و پاک دامنی همانند پرده ای است که دو پرده دیگر؛ یعنی حجاب و حیا از آن محافظت می کنند. اگر زن در مسیر انحراف گام بردارد، ابتدا از حیای زن کاسته می شود. سپس حجاب او سست می گردد و آن گاه بی عفتی دامن گیرش می شود. در حدیث آمده است: «سَبَبُ الْعِفَّهِ الْحَیاءُ؛ پیش درآمد عفت و پاک دامنی، داشتن حیاست».(۱) عفت در روایات از چنان اهمیتی برخوردار است که آن را بهترین رفتار شمرده اند. امام باقر علیه السلام می فرماید: «ما عُبِدَ اللّه ُبِشَیْ ءٍ أَفْضَل مِنْ عِفَّهِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ؛ خداوند به چیزی والاتر از پاک دامنی شکم و شهوت عبادت نشده است».(۲)

هویت و شخصیت خانواده در گرو پاک دامنی و عفت است. خداوند دراین باره می فرماید: «وَ لْیَسْتَعْفِفِ الَّذِینَ لایَجِدُونَ نِکاحا حَتّی یُغْنِیَهُمُ اللّه ُمِنْ فَضْلِهِ؛ آنان که راهی برای ازدواج نمی یابند، عفاف و پاک دامنی پیشه سازند تا خداوند از فضل و رحمت خویش، آنان را بی نیاز گرداند.» (نور: ۳۴) جامعه سالم در دامان مادران پاک دامن و عفیف شکل می گیرد، چنان که در حدیث آمده است: «طُوبی لِمَنْ کانَتْ اُمُّهُ عَفِیفَهً؛

ص:۷۳

۱- ۱. غررالحکم، ص ۲۵۷، ح ۵۴۴۴.
۲- ۲. کافی، ج ۲، ص ۷۹.

خوشا به سعادت کسی که مادرش عفیف و پاک دامن باشد».(۱)

زنان پاک دامن حتی در نگاه مردان بی بندوبار و چشم چران نیز مورد احترام هستند و این، رمز تأکید بر عفت و پاک دامنی زن است. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید:

عفت در زن، وسیله ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران حتی در چشم خود مردان شهوت ران و بی بندوبار است. عفاف مخصوص زنان نیست. مردان نیز بایستی عفیف باشند منتها چون در جامعه، مرد به خاطر قدرت جسمانی می تواند به زن ظلم کند و برخلاف تمایل زن رفتار نماید، روی عفت زن بیشتر تکیه و احتیاط شده است.(۲)

حیا، سرچشمه عفاف است و در روایت آمده است حیا هرجا باشد، به آن بها و قیمت می بخشد و فحش و ناسزاگویی هر کجا جای گیرد، آنجا را از اعتبار و هستی ساقط می کند.(۳)

زن مسلمان با رفتاری متناسب و متین، زمینه گسترش عفت را فراهم می آورد. نباید تنها به پوشش ظاهری بسنده کرد، بلکه باید به ملکه تقوای درونی توجه شود؛ زیرا پوشش بدون اعتقاد درونی، همچون کالبدی بی روح است. پوشش، امنیت به همراه دارد و عامل مهمی برای آزادی زنان است، نه اسارت آنان. اسلام با طرح پوشش مناسب، جواز حضور زنان را در اجتماع فراهم آورده است. حضور زن در اجتماع باید با وقار و متانت آمیخته بوده و از هیجان انگیزی و ایجاد زمینه های فساد به دور باشد. زن نباید به گونه ای گام بردارد که زینت هایش

۱- ۱. بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۱۵.

۲- ۲. امیرحسین بانکی پورقره، آیینه زن مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری، ص ۱۵۰.

۳- ۳. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۱۱.

آشکار شود و مردان را به سوی خود جلب کند.

اسلام برای سلامت جامعه و جلوگیری از ایجاد زمینه های فساد، برای حضور زن در اجتماع، شرایطی قائل شده است. وقار در سخن گفتن و سلامت نفس از آن شرایط است. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است: «أَیُّ امْرَأَهٍ تَطَیَّبَتْ لِغَیْرِ زَوْجِها ثُمَّ خَرَجَتْ مِنْ بَیْتِها فَهِیَ تُلْعَنُ حَتّی تَرْجِعَ إِلی بَیْتِها مَتی ما رَجَعَتْ؛ هرگاه زنی برای غیر شوهرش خود را معطر کند و از خانه اش خارج شود، تا زمانی که به خانه برمی گردد، لعنت می شود.»(۱) همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَعَنَ اللّهُ الْمُتَشَبِّهینَ مِنَ الرِّجالِ بِالنِّساءِ وَ الْمُتَشَبِّهاتِ فِی النِّساءِ بِالرِّجالِ؛ خداوند، مردهایی را که شبیه زنان شوند و زن هایی را که شبیه مردان شوند، لعن کرده است».(۲)

۱- ۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۴.

۲- ۲. بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۸.

فهرست منابع

۱. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات امام عصر(عج)، ۱۳۸۰.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۴.

۳. الجزری، عزالدین ابن الاثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بی جا، دارالشعب، بی تا.

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.

۵. ترجمه شرح نهج البلاغه ابن هیثم، ترجمه: قربانعلی محمدی مقدم، علی اصغر نوایی، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، چ اول، ۱۳۷۵.

۶. حداد عادل، غلامعلی، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش، ۱۳۵۹.

۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، کتابچی، ۱۳۷۱.

۸. خواجه عبدالله انصاری، مجموعه رسائل فارسی، به کوشش محمد سرور مولایی، انتشارات توس، تهران، چ دوم، ۱۳۷۷.

۹. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرر و دررآمدی، تحقیق: محدث ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.

۱۰. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.

۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۱۲. رشیدالدین فضل الله میبدی، کشف الاسرار، به کوشش علی اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، چ سوم، ۱۳۶۱.

۱۳. فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنّت، قم، بوستان کتاب، بی تا.

۱۴. فنایی اشکوری، محمد، منزلت زن در اندیشه اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی ـ پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۷.

۱۵. قشیری، ابوالقاسم، ترجمه رساله قشیریه، به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، انتشارات علمی و فرهنگی تهران، چ چهارم، ۱۳۷۴.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، انتشارات علمی اسلامیه، بی تا

۱۷. کمالی، علی، قرآن و مقام زن، تهران، امیری، ۱۳۷۳.

۱۸. متقی، علی بن حسام الدین، کنزالعمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۷۲.

۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دارالرضا، ۱۳۷۷.

۲۰. ____________________، مرآه العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.

۲۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۴.

۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.

۲۳. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، قم، صدرا، ۱۳۷۰.

۲۴. مغازی، محمد بن عمر واقدی، ، تاریخ جنگ های پیامبر، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.

۲۵. مفضل بن عمر، توحید مفضل، ترجمه: علامه مجلسی، تهران، کعبه، ۱۳۶۲.

۲۶. منتسکیو، روح القوانین، ترجمه: علی اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.

۲۷. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۳۶۶.

۲۸. واقدی، کاتب، طبقات، ترجمه: دکتر محمد مهدوی دامغانی، انتشارات فرهنگ و اندیشه، تهران، چ اول، ۱۳۷۴.

۲۹. ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۷۵.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹